



تحلیل راهبردی پیامدهای معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

سید ابوالحسن بتولی^۱ | غلامحسین بیابانی^۲ | محمد جندقی قمی^۳

چکیده

معوقه‌های بانکی طی سال‌های اخیر زمینه‌ساز بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی در جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند. هدف پژوهش حاضر ارائه یک تحلیل راهبردی به شیوه ABC از پیامدهای معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی کشور است. این پژوهش دارای رویکردی کیفی به شیوه تحلیل محتوا بوده و داده‌های آن به شیوه سه‌گانه (مثلث‌سازی) از بیانات، مصاحبه‌ها و گزارش‌های امام خمینی رحمه‌الله علیه، مقام معظم رهبری مدظله العالی، قوای نظام جمهوری اسلامی ایران و نخبگان سیاسی و اقتصادی کشور برای بازه زمانی ۱۳۴۰ تا ۱۴۰۲ گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در سطح نخست، معوقه‌های بانکی با تخریب راهبردهای اقتصادی دولت، فشار اقتصادی را به عمق نظام اجتماعی کشور رسوخ می‌دهد و به اضمحلال ساختارها و ارزش‌های اجتماعی می‌انجامد. با از دست رفتن پایگاه اجتماعی حاکمیت، زمینه برای تهدید نظام سیاسی مهیا می‌شود که برآیند نهایی آن تباه شدن مشروعیت حاکمیت و ریزش امنیت ملی و بین‌المللی کشور است. چارچوب راهبردی ABC به‌دست آمده نشان می‌دهد که مخرب‌ترین پیامدهای معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی کشور از بی‌انضباطی‌های اقتصادی و سوء راهبری پولی دولت ناشی شده و این سطح از پیامدها، پیامدهای ثانویه‌ای بر رفاه و سرمایه اجتماعی کشور ایجاد می‌کنند که مهار آنها دشوارتر است. پیامدهای سطح سوم، که خود از سطح دوم تبیین راهبردی ریشه می‌گیرند، گسترده‌ترین و مهار نشدنی‌ترین پیامدها را بر مشروعیت حاکمیت، امنیت ملی و اقتدار بین‌المللی کشور تحمیل می‌کنند. از این رو، بر اساس یافته‌های این پژوهش، اصلاح و منطقی‌سازی سیاست‌های اقتصادی حاکمیت بنیادین‌ترین اقدام برای مصون‌سازی امنیت اقتصادی کشور از پیامدهای معوقه‌های بانکی است. کلیدواژه‌ها: معوقه‌های بانکی، امنیت اقتصادی، تحلیل راهبردی ABC، قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران

۱. کارشناسی ارشد علوم سیاسی و دافوس و دانشجوی دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه کشف جرائم، دانشگاه جامع علوم انتظامی، تهران، ایران

۳. نویسنده مسئول: دکتری، گروه حسابداری، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

مقدمه

امنیت اقتصادی شاه‌کلید دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی است (استوارت^۱، ۲۰۱۳؛ عزیزی و همکاران، ۱۳۹۷). در سال‌های اخیر معوقه‌ها در نظام بانکی در کنار ناترازی بودجه دولت به پاشنه آشیل ثبات اقتصادی ایران تبدیل شده، طوری که بهمن نقدینگی حجیم، نامنظم و مهار نشدنی آزاد شده توسط سیستم بانکی به تخریب قیمت‌ها و بحران در بازارهای سرمایه، کالا، ارز، سکه و طلا، مسکن، و حتی بهداشت، سوخت و مواد غذایی انجامیده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی - از این به بعد مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۹۵: ۲؛ خوانساری، ۱۳۹۸: ۹۲؛ آخوندی، ۱۴۰۰: ۳۶). از سوی دیگر، معوقه‌های بانکی موجب گسترش رانت، فساد و آربیتراژ در اقتصاد ایران شده، و به بیکاری فزاینده، بحران تولید و ناآرامی‌های اجتماعی دامن زده است (ایرنا، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲). جنبه سوم، پیامدهای معوقه‌های بانکی در سطح متغیرهای اقتصاد کلان کشور قابل رصد می‌باشد، چنانچه طی سال‌های اخیر تجربه نرخ تورم سالانه بالای ۵۰ درصد و تغییرات بالای ۱۰۰ درصدی نرخ ارز، رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم ایران را به شدت تحت تأثیر قرار داده است (بانک جهانی^۲، ۲۰۲۳؛ بانک مرکزی، ۱۴۰۲ الف و ب).

معوقه‌های بانکی یک پدیده عارضی ناشی از اقتصاد سیاسی کشور است و نشان می‌دهند ضعف راهبردهای اقتصادی حاکمیت در حال تضعیف و تخریب مشروعیت و شکست دکترین سیاسی نظام است (کاشیان، ۱۴۰۱؛ خزلی و همکاران، ۱۴۰۱؛ مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۹۵). راهبردهای اقتصاد سیاسی زمانی کارآمد ظاهر می‌شوند که از تناسب و سازگاری با ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برخوردار باشد (پورگرامی^۳، ۱۹۸۸). از این‌رو، تحلیل راهبردهای اقتصاد سیاسی برای تبیین علل و زمینه معوقه‌های بانکی ضرورت دارد (وینستون^۴، ۱۹۱۶؛ بولر و ویسکر^۵، ۲۰۲۱). ارکان اصلی اقتصاد سیاسی ایران در قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام ترسیم و تبلور می‌یابند. بر اساس قانون اساسی کشور، دولت مکلف است تا کشور را به لحاظ کشاورزی، صنعت و امور نظامی به خودکفائی برساند. افزون بر آن، قانون اساسی دولت

1. Stewart;
2. The World Bank;
3. Pourgerami;
4. Winston;
5. Buller & Whisker;

جمهوری اسلامی ایران را موظف به تأمین شغل مناسب، مسکن، معیشت، امکان تشکیل خانواده، و تأمین اجتماعی می‌داند. مهم‌تر از همه، در مقدمه قانون اساسی صراحتاً اعلام می‌شود که در نظام جمهوری اسلامی ایران اقتصاد هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل می‌باشد. از این رو، قانون اساسی با هر گونه انحصار، تمرکز و تکاثر امکانات تولید ثروت و سود مخالفت می‌ورزد (شورای قانون اساسی، ۱۳۶۸). در سیاست‌های کلی نظام نیز موضوع سیاست اقتصادی از پر تراکم‌ترین مباحث است. مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آنها، سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی کشور و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است. سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی کشور در ۲۲ اسفند ماه ۱۳۷۹ به صورت یک منظومه پنج بُعدی با جنبه‌های پیشینه‌سازی بازدهی و کمینه‌سازی ریسک در اقتصاد ایران، اهداف کلی در حکمرانی اقتصادی را به طور جامع و منسجم تبیین می‌نماید. در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز بر اهمیت مردمی‌سازی اقتصاد و ایجاد رقابت و انگیزه‌سالم با انحصارزدایی و خصوصی‌سازی تأکید گردیده است (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۷۹، ۱۳۸۴).

علی‌رغم آن که از اقتصاد سیاسی کشور به طور منحصر به فرد و روشنی سازوکار باز پول و بانکداری قابل احصاء و استنباط است، اما هرز رفتن منابع بانکی به دلیل قراردادهای صوری، ناکارآمدی و بانرخی‌های نامتعارف نه تنها مشکل شبه‌ربوی بودن معاملات پول را در پی داشته است، بلکه انبوهی از منابع به صورت معوقه‌های بانکی به ایجاد سوء استفاده، رانت و تخریب امنیت و عدالت اقتصادی جامعه انجامیده‌اند (مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۹۵: ۹-۱۰؛ ایرنا، ۱۴۰۰، ۱۴۰۲؛ خوانساری، ۱۳۹۸: ۲۳؛ آخوندی، ۱۴۰۰: ۲۶۲). دغدغه پژوهش حاضر پرداختن به این مسئله است که از دیدگاه راهبردهای اقتصاد سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، معوقه‌های بانکی چگونه سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی کشور را تخریب و بی‌اثر می‌سازند؟ به عبارت دیگر، تبیین یک نقشه راه مدون و نظام‌مند از پیامدهای معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی ایران چگونه ممکن است؟ در این راستا، پژوهش حاضر در صدد است تا پیامدهای راهبردی معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی را در قالب یک تحلیل ABC تبیین نماید، بدین ترتیب که یک چارچوب راهبردی سه‌سطحی، از پیامدهای اولیه و قابل مهار تا پیامدهای سطح سه و غیرقابل مهار بدست آورد. پژوهش حاضر از جنبه‌های متعدد و متنوعی از دانش‌افزایی با اهمیت برخوردار است. نخست، در

این پژوهش برای نخستین بار در ادبیات داخلی و خارجی، بین معوقه‌های بانکی و امنیت اقتصادی در سطح راهبردی ارتباط برقرار می‌شود. دوم، تبیین راهبردی پیامدهای معوقه‌های بانکی بر جنبه‌های مختلف امنیت اقتصادی موجب می‌شود تا امکان مصون‌سازی امنیت اقتصادی کشور و به تبع آن امنیت ملی و اقتدار بین‌المللی کشور فراهم گردد. سوم، در این پژوهش برای نخستین بار پیامدهای راهبردی معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی با تحلیل ABC به سه سطح قابل مهار، به دشواری قابل مهار، و غیرقابل مهار تفکیک و تبیین می‌شوند.

در ادامه این پژوهش، ابتدا به مبانی نظری و پیشینه پژوهش پیرامون پیامدهای راهبردی معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی پرداخته می‌شود. در بخش بعد، روش‌شناسی پژوهش تشریح می‌گردد. سپس، یافته‌های پژوهش در قالب یک چارچوب راهبردی تبیین شده و در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش ارائه می‌شود.

مبانی نظری

معوقه‌های بانکی از نشانه‌های شاید شیوع فساد و بحران اقتصادی-اجتماعی در جوامع هستند که به طور جدی امنیت ملی و اقتدار سیاسی حاکمیت را تضعیف می‌سازند (سون و همکاران^۱، ۲۰۲۰). پدیده معوقه‌های بانکی برخاسته از دکترین اقتصاد سیاسی یک کشور است و به دلیل ضعف راهبردی در اجرای سیاست‌های نظام حاکم ظهور و بروز می‌یابند (شی^۲، ۲۰۰۴؛ رحمن و همکاران^۳، ۲۰۱۶). هدف و وظیفه اقتصاد سیاسی، شکل دادن به آمایش اقتصادی جامعه است، طوری که سلول‌های مختلف کالبد اقتصادی-اجتماعی یک کشور نه به ازدیاد و اتلاف منابع دچار باشند، و نه به فقر و محرومیت. هدف اصلی اقتصاد سیاسی ترسیم یک نقشه فکری پایدار برای پایداری و رشد باثبات و متوازن کلیه اعضاء و جوارح ماشین اقتصادی جامعه است (لال و مینت^۴، ۱۹۹۸). معوقه‌های بانکی نه تنها نشان‌دهنده نشأت منابع گران قیمت در فضایی مخرب از کالبد اقتصادی-اجتماعی جامعه است، بلکه کارکرد طبیعی سلول‌ها و اعضای سالم نظام اقتصادی را نیز مختل نموده و با رو به فساد گذاردن کلیت نظام حیاتی اقتصادی کشور، نظام امنیتی و سلامت

1. Son et al;
2. Shih;
3. Rehman et al;
4. Lal & Myint;

پایدار حاکمیت را با تهدید و تخریب رویارو می‌سازد (وان^۱، ۲۰۱۸). پر واضح است که ابتلای نظام اقتصادی به بیماری معوقه‌های بانکی به دلیل عدم مراقبت‌های لازم در استفاده از ظرفیت‌ها و کارکردهای طبیعی اقتصاد، سوء استفاده‌های نهادی و سوداگرایانه، و یا نوسان‌های محافظت نشده طبیعت بیرونی اقتصاد بروز و سرایت می‌یابند (سون و همکاران، ۲۰۲۰).

صیانت و پابندگی امنیت اقتصادی پایدار رکن ضروری رشد و توسعه اقتصادی، محرومیت‌زدایی، و ایجاد برابری و آزادی در فرصت‌های اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی است (کوستانتینی^۲، ۲۰۱۷؛ عزیزی و همکاران، ۱۳۹۷). امنیت اقتصادی خود بر پایه موازین اقتصاد سیاسی تکوین و تکامل می‌یابد (کرسنر^۳، ۲۰۱۰؛ سیف، ۱۳۸۹). در این راستا، اقتصاد سیاسی موفق عمل می‌نماید که از تناسب و تنظیم مطلوب و مطمئنی با ظرفیت‌ها و کارکردهای طبیعی نظام اقتصادی-اجتماعی برخوردار باشد (گولد^۴، ۱۹۹۰؛ مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۹۵). امنیت اقتصادی به طور کلی از دو جنبه پیشینه‌سازی بازدهی و کمینه‌سازی ریسک برخوردار است (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۷۹). از این رو، اقتصاد سیاسی امنیت اقتصادی به معنی مجموعه اهداف و راهبردهای کلان هستند که ظرفیت، ثبات و رشد و توسعه پایدار نظام اقتصادی-اجتماعی را تعیین و تنظیم می‌کنند (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۲). همان‌طور که ناپایداری و نامعین بودن اقتصاد سیاسی، امنیت اقتصادی کشور را با بحران و عدم اطمینان مواجه می‌سازد، ناپایداری و عدم اطمینان نسبت به راهبردها، ظرفیت‌ها و ظرفیت‌سازی‌ها نیز پایداری و پابندگی رشد و توسعه نظام اقتصادی-اجتماعی را با ریزش و شکست روبه‌رو می‌نماید (بورن و همکاران، ۲۰۱۸). بحران معوقه‌های بانکی و در پی آن بحران ارز، بحران بازار سرمایه، بحران سکه و طلا، بحران مسکن، و بیکاری حاد و مشاغل کاذب نهادینه شده در اقتصاد ایران به روشنی گویای ناکارآمد ماندن دکترین اقتصاد سیاسی کشور در نیل به رسالت نظام در ذیل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است (مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۹۵).

اقتصاد سیاسی در ایران از یک رکن ثابت و معین شامل قانون اساسی و سیاست‌های کلی و یک رکن متغیر و نامعین شامل راهبردهای سیاسی-اقتصادی کشور برخوردار است که به تدبیر

1. Wan;
2. Costantini;
3. Kerschner;
4. Gould;

مقامات نظام شامل نهاد رهبری و قوای سه گانه با تغییر و تعدیل‌های دائمی برای سازگارسازی شرایط اقتصادی- اجتماعی کشور با طبیعت پویای داخلی و خارجی انجام می‌گیرد (شورای قانون اساسی، ۱۳۶۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر تحقق عدالت اجتماعی، برچیدن فقر و محرومیت، و به ارمغان آمدن خودکفائی در صنعت، کشاورزی و امور نظامی، به صراحت اعلام می‌دارد که در اقتصاد سیاسی ایران، هدف رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست، و همچون سایر نظام‌های اقتصاد سیاسی، به دنبال تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی نیست، زیرا موجب تخریب، فساد و تباهی نظام سیاسی و اجتماعی کشور می‌شود. در قانون اساسی مهم‌ترین ارکان اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران، حفظ کرامت و ارزش والای انسان، نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گیری و سلطه‌پذیری، و تحقق قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی اعلام می‌شود. در این راستا، قانون اساسی دولت را موظف به تأمین اشتغال مناسب، آموزش، تأمین اجتماعی، مسکن، و سایر نیازهای اساسی می‌نماید و برای احصاء این ارکان راسخ انقلاب اسلامی ایران، کلیه صنایع بزرگ، بانک‌ها، منابع طبیعی، نفت و معادن را در انحصار دولت قرار می‌دهد (شورای قانون اساسی، ۱۳۶۸).

سیاست‌های کلی نظام به عنوان تبیین‌گر و عملیاتی‌کننده اصول قانون اساسی، به طور گسترده و متعدد در ذیل یک منظومه منسجم از اقتصادی سیاسی جمهوری اسلامی ایران تلاش دارد تا امنیت اقتصادی کشور را بهبود و توسعه بخشند (شورای قانون اساسی، ۱۳۶۸). در این راستا، سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله توسعه، تشویق سرمایه‌گذاری، بخش مالی، تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی، و اقتصاد مقاومتی همگی تکه‌هایی موزون از سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی کشور هستند که تلاش دارند دکرترین اقتصاد سیاسی مستتر در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران را به منصفه ظهور رسانند و به آرمان‌های انقلاب اسلامی که همان استقلال و عدالت اجتماعی است جامه عمل بپوشانند (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۴۰۲). بر اساس سند‌های مذکور، امنیت اقتصادی کشور به طور منحصر به فردی در قالب یک منظومه منسجم پنج بُعدی تبیین گردیده است که این مهم خود بر مبنای دو پایه بشینه‌سازی بازدهی و کمینه‌سازی ریسک تعریف و استوار گردیده است. بر اساس سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی کشور، راهبردهای اقتصاد سیاسی نظام حاکم باید: (۱) از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از راه‌های قانونی و مشروع

حمایت نمایند، (۲) به ارتقای رفاه عمومی، تحقق عدالت اجتماعی و از بین بردن فقر در کشور جامه عمل پوشانند، (۳) بدین منظور باید قوانین و مقررات کشور دارای ثبات، شفافیت و هماهنگی باشند، (۴) بدین منظور باید نظارت و قضاوت نسبت به مسائل اقتصادی دقیق و روشن و تخصصی باشد، و (۵) بدین منظور باید شرایط فعالیت اقتصادی اعم از اطلاعات، امکانات و امتیازات در شرایط عادی برای همگان یکسان و عادلانه باشد (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۷۹).

با این وجود جنبه‌های نامعین و متغیر اقتصاد سیاسی کشور موجب شده تا در عمل، بازدهی و ریسک محیط اقتصادی ایران مطابق با سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی نظام در وضعیتی با ثبات و بهینه تنظیم و تعین نیافته باشند (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۴۰۱؛ کاشیان، ۱۴۰۱). توأمان بودن بحران معوقه‌های بانکی در کشور با بحران‌های ارز، مسکن، تولید و اشتغال، تولید و کارآفرینی، تلاطم بازار سرمایه، و رشد مفسد و سوداگرایی‌ها نشان‌دهنده منحرف شدن نیروی مخرب بازار پول و بانکداری در کشور و تنزل امنیت و رفاه اقتصادی عموم مردم ایران است (بولر و وبسکر، ۲۰۲۱؛ مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۹۵). این انحراف‌های راهبردی خود برخواسته از تغییرات و تعدیل‌ها در اقتصاد سیاسی کشور است که به طور مقطعی توسط دولت‌ها، مجالس و سیاست‌گذاران مختلف بر نظام حکمرانی جامعه اعمال شده‌اند. نمونه‌های متداول و عموماً ادراک شده این تغییرات و تعدیل‌ها شامل چالش بودجه‌های سالانه، سطوح و قلمرو برنامه‌های توسعه پنج ساله، تعدیلات پولی و ارزی، بحران استقراض و بدهی‌های دولت، سیاست‌های واردات و صادرات، تغییرات قانون مالیات‌ها و تعرفه‌ها، تنظیم گری بازار، حکمرانی شبه‌دولتی‌ها به خصوص در تولید و بازار سرمایه، و شدت و درجات اجرایی شدن سیاست‌های کلی نظام از قبیل هدفمندی یارانه‌ها، اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان، سطوح روابط خارجی، و خصوصی‌سازی هستند. پر واضح است که جنبه متغیر و نامعین حکمرانی اقتصادی کشور با ایجاد بی‌انضباطی و تزیق رانت به اقتصاد در سال‌های اخیر تأثیر روشنی بر سیلان تخریب‌گر نقدینگی، رواج سوداگرایی‌های غیرمولد، مفسد اقتصادی و در رأس آنها سوء استفاده از بازارهای پولی و بانکی در قالب عدم ایفای به تعهدات تسهیلاتی و پیدایش ابر بدهکاران بانکی داشته‌اند (تأکید بر جهت‌دهی مناسب اعتبارات بانکی را در سیاست‌های کلی برنامه هفتم مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغی ۱۴۰۱ را ببینید).

مسئله‌ای که اینجا ظهور و بروز می‌یابد این است که چگونه جنبه متغیر و نامعین اقتصاد سیاسی کشور با دامن زدن به معوقه‌های بانکی، امنیت اقتصادی ایران را تهدید می‌نماید و این که آیا این چالش‌های امنیتی از امکان پیش‌گیری و مصون‌سازی برخوردار هستند یا خیر. انجام یک تحلیل راهبردی نسبت به تأثیر معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی کشور، نه تنها به شناسایی جنبه‌های متغیر، نامعین و آسیب‌زای اقتصاد سیاسی ایران کمک می‌نماید، بلکه امکان تبیین سطوح و قلمروی مهارشوندگی و مصون‌سازی امنیت اقتصادی نسبت به این تهدیدها را نیز فراهم می‌سازد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر تهیه یک چارچوب تحلیل راهبردی به شیوه ABC برای تبیین تأثیر پدیده معوقه‌های بانکی به عنوان شواهدی رصدپذیر از آسیب‌زایی جنبه متغیر و نامعین اقتصاد سیاسی حاکمیت بر امنیت اقتصادی کشور است. در مدیریت استراتژیک، تحلیل راهبردی ABC به منظور تبیین تأثیرهای زنجیره‌وار راهبردها برای تأمین سیاست‌های کلی یک سازمان، نهاد، یا سیاست‌های عمومی یک حکومت استفاده می‌شود. در این تحلیل، راهبردهای سطح A، راهبردهایی مادر و کاملاً قابل کنترل هستند که نتایج و پیامدهای حاصل از آنها، زنجیره‌های راهبردی سطوح پایین‌تر با نام‌های راهبردهای سطح B و سطح C را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تفاوت راهبردهای سطح A با راهبردهای سطح B و سطح C در میزان قابل کنترل بودن و نوع پیامدهای آنها است، طوری که راهبردهای سطح B و سطح C دارای پیامدهایی مؤثرتر یا مخرب‌تر و با کنترل‌شوندگی پایین‌تر هستند (وسکاناتان و باتناگار^۱، ۲۰۰۵؛ استوک و لمبرت^۲، ۲۰۰۱؛ لمبرت و همکاران^۳، ۱۹۹۸). در این پژوهش برای نخستین بار از تحلیل راهبردی ABC برای تبیین پیامدهای معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی کشور به صورت زنجیره‌هایی از آسیب‌پذیری‌های راهبردی ناشی از جنبه‌های متغیرهای و نامعین اقتصاد سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌شود.

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های پیشین، پدیده معوقه‌های بانکی از دیدگاه اقتصاد سیاسی مورد تحلیل و آسیب‌شناسی راهبردی قرار نگرفته است. به تبع این امر، سیاست‌مداران و قانون‌گذاران در نظارت و راهبری اقتصاد سیاسی نظام و تأمین مصونیت برای امنیت اقتصادی کشور به توفیق چندانی نائل

1. Viswanathan, & Bhatnagar;
2. Stock, & Lambert;
3. Lambert et al;

نشده‌اند. در مطالعات خارجی، آناستاسیو^۱ (۲۰۲۳) بیان نمود که طی بحران مالی سال ۲۰۰۷، سطح بالای معوقه‌های بانکی به کشیده شدن رمق نظام بانکداری و شدت یافتن سوء مدیریت در اقتصاد منجر گردید. گیامانکو و همکاران^۲ (۲۰۲۲) بر اساس اطلاعات کشورهای آسیایی طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۲۰، درصد بدهی‌های عمومی به تولید ناخالص داخلی و غیراثر بخش بودن دولت تأثیر معناداری بر معوقه‌های بانکی دارند. چیزا و همکاران^۳ (۲۰۲۱) یافتند که معوقه‌های بانکی هم در کوتاه مدت و هم در بلند مدت هزینه سرمایه بانک‌ها را افزایش داده که این اثر در کشورهای پیرامونی اروپا شدیدتر از کشورهای مرکزی اروپا است. پارک و شین^۴ (۲۰۲۱) نشان دادند که معوقه‌های بانکی بالاتر، دسترسی به اعتبارات بانکی را برای وام‌دهندگان بین‌المللی و قرض‌گیرندگان بازارهای نوظهور کاهش داده و به خروج منابع بانکی از اقتصادهای در حال توسعه منجر می‌شوند. سرانو^۵ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای از ۷۵ بانک اروپایی طی سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ به این نتیجه رسید که معوقه‌های بانکی موجب نرخ رشد پایین‌تر اعطای تسهیلات می‌شوند. سون و همکاران^۶ (۲۰۲۰) با بررسی داده‌های ۱۲۰ کشور از بانک جهانی طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۷، بیان نمودند که نظام بانکداری کانالی برای انتقال فساد سیاسی به رشد اقتصادی است، طوری که فساد موجب رشد معوقه‌های بانکی در بخش بانکداری شده و رشد اقتصاد را تخریب می‌سازد.

در ادبیات داخلی، ابوالحسنی و همکاران (۱۴۰۰) با مطالعه وام‌های معوق در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶، بدین نتیجه رسیدند که بدهی دولت و حکمرانی بد بر حجم معوقه‌های بانکی اثر قابل توجهی دارند. اسماعیلی‌فر و همکاران (۱۳۹۸) با بررسی انتقادی از قوانین و مقررات وصول معوقه‌های بانکی در ایران بیان نمودند که بانک‌ها عامل بحران‌ها و نارسایی‌های اقتصادی در کشور هستند، در حالی که نه تنها فساد سیستمی، رعایت نکردن واقعیت‌های اقتصادی، و نبود نظارت از مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکی کشور هستند، بلکه ناکارایی قوانین و مقررات موجود، طولانی بودن بروکراسی تدوین قوانین، نبود سازوکارهای قضائی، و بالا بودن اطاله‌ها و هزینه‌های دادرسی نیز مشکلات بانکداری کشور را دو چندان نموده است که این مهم بر رشد و شکوفایی اقتصاد کشور لطمات جبران‌ناپذیری وارد می‌کند. سیف (۱۳۹۰) الگوی

1. Anastasiou;
2. Giammanco et al;
3. Chiesa;
4. Park, & Shin;
5. Serrano;
6. Son et al;

قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را در قالب محورهای رفاه مادی، عدالت اجتماعی، روحیه و آرمان انقلابی، و برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام احصاء نمود. تلاطم‌های اقتصادی در ایران توأمان با بحران معوقه‌های بانکی اهمیت و ضرورت بالای بررسی این مسئله را هویدا می‌سازد که چگونه پدیده معوقه‌های بانکی راهبردهای اقتصاد سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران را در جهت مصونیت و توسعه پایدار امنیت اقتصادی کشور تهدید و تخریب می‌سازد (تأکید بر جهت‌دهی مناسب اعتبارات بانکی را در سیاست‌های کلی برنامه هفتم مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغی ۱۴۰۱ را ببینید). علی‌رغم اهمیت بالای این موضوع، در پژوهش‌های پیشین توجه چندانی به این مسئله صورت نگرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر با ارائه یک تحلیل راهبردی از پیامدهای معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، به این دغدغه حاکمیتی کلان پاسخ می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر دارای رویکردی کیفی به شیوه تحلیل محتوا است. بدین منظور، یک نمونه از داده‌های کیفی چندگانه (مثلی) از بیانات، گزارش‌ها و دیدگاه‌های امام خمینی رحمه‌الله علیه، مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، قوه مجریه، قوه قضائیه، و صاحب‌نظران سیاسی و اقتصادی کشور گردآوری شده است. ابزار گردآوری داده در این پژوهش مراجعه به تارنمای رسمی نهادهای نظام، مجلات، کتب، رسانه‌ها و خبرگزاری‌های رسمی حاکمیت و دارای مجوز از قوای مربوط بوده است. در گردآوری داده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده تا مشاهداتی غنی و مربوط پیرامون مسئله پژوهش فراهم گردد. اندازه نمونه پژوهش مبتنی بر قاعده اشباع نظری تعیین شده، بدین معنا که گردآوری داده پژوهش تا حدی ادامه می‌یابد که مشاهدات بعدی مفهوم جدیدی به پژوهش اضافه نکنند. اطلاعات جمعیت‌شناسی نمونه مورد مطالعه در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. اطلاعات نمونه مورد مطالعه

مرجع	جمع	۰۲ - ۰۰	۹۹ - ۹۰	۸۹ - ۸۰	قبل از ۸۰
الف. امام خمینی رحمه‌الله علیه	۲۷۰	۰	۰	۰	۲۷۰
ب. رهبری	۱۴۲۲	۱۱۳	۶۴۴	۳۷۱	۲۹۴
پ. مجمع تشخیص مصلحت	۶۱۸	۲۷۵	۳۲۵	۱۳	۵

جدول ۱. اطلاعات نمونه مورد مطالعه

مرجع	جمع	۰۲ - ۰۰	۹۹ - ۹۰	۸۹ - ۸۰	قبل از ۸۰
نظام					
ت. شورای نگهبان	۲۸۶	۷۳	۱۴۹	۶۰	۴
ث. دولت	۲۸۰۷	۸۷۸	۱۷۱۲	۲۰۴	۱۳
ج. مجلس شورای اسلامی	۱۶۳۱	۲۸	۱۵۵۲	۴۷	۴
چ. قوه قضائیه	۱۰۲۳	۴۵۵	۵۶۸	۰	۰
ح. صاحب‌نظران	۱۶۱۲	۲۵۹	۹۹۰	۳۱۱	۵۲
جمع	۹۶۶۹	۲۰۸۱	۵۹۴۰	۱۰۰۶	۶۴۲

یادداشت. در جدول فوق مثلث‌سازی منابع داده با کدهای حروف الفبا مشخص شده است. کدهای الف تا ت، مهم‌ترین منبع گردآوری داده پژوهش بوده و مفاهیم مستخرج از نهاد رهبری را نشان می‌دهند. کدهای ث، ج و ح به قوای سه‌گانه نظام تعلق دارند. کد ح نیز به ادبیات صاحب‌نظران سیاسی و اقتصادی کشور اشاره می‌نماید.

در روش تحلیل محتوا، مشاهدات گردآوری شده در قالب متن به کدهای باز از مفاهیم گشوده شده و تشریح می‌شوند. سپس، مفاهیم باز بدست آمده مورد مونتاژ و مفصل‌بندی قرار می‌گیرند تا مقوله‌ها و ابعادی پرمعنا، سطح بالا و انتزاعی‌تر فراهم گردد، طوری که تبیینی جامع، مانع، منسجم و یک‌پارچه از مسئله مورد نظر بدست آید (دریسکو و مارشی^۱ ۲۰۱۵ را ببینید). به منظور کدگذاری اسناد گردآوری شده از کدهای الف-۱۰۰۱ تا الف-۱۲۷۰ برای بیانات امام خمینی رحمه‌الله علیه، ب-۱۰۰۱ تا ب-۲۴۲۲ برای بیانات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، پ-۱۰۰۱ تا پ-۱۶۱۸ برای بیانات مجمع تشخیص مصلحت نظام، ت-۱۰۰۱ تا ت-۱۲۸۶ برای بیانات شورای نگهبان، ث-۱۰۰۱ تا ث-۳۸۰۷ برای بیانات دولت، ج-۱۰۰۱ تا ج-۲۶۳۱ برای بیانات مجلس شورای اسلامی، چ-۱۰۰۱ تا چ-۲۰۲۳ برای بیانات قوه قضائیه، و ح-۱۰۰۱ تا ح-۲۶۱۲ برای بیانات صاحب‌نظران سیاسی و اقتصادی کشور استفاده می‌شود.

تحلیل کیفی داده‌های پژوهش از گام‌های متعددی برخوردار است. در ابتدا، با جستجوی برخط کلید واژه‌ها در تارنماهای رسمی نظام، کتب و مجلات، اسناد مربوط گردآوری و دسته‌بندی می‌شوند. در گام دوم، مشاهدات گردآوری شده کدگذاری و مفاهیم باز آنها استخراج می‌شود. در گام سوم، کدهای باز گردآوری شده به وسیله جستجو در ویندوز ۱۱، ورد ۲۰۲۲،

1. Drisko & Maschi;

خواندن سراسری اسناد گردآوری شده، و جستجوهای برخط تکمیلی، مورد دسته‌بندی، ارتباطیابی و ارتباطسازی قرار می‌گیرند تا راهبردها یا مقوله‌های کلان بدست آیند. در گام چهارم، به طور مشابه مقوله‌ها مورد دسته‌بندی، رابطه‌یابی و رابطه‌سازی قرار می‌گیرند تا ابعاد نهایی تحلیل پژوهش نمایان و هویدا شوند. در گام پنجم، شکاف‌ها مفهومی به وسیله جستجوی‌ها، دسته‌بندی‌ها و استنباط‌های پژوهشگر ساخته مورد شناسایی و پر شدن قرار می‌گیرند تا تبیین نهایی، جامع، منسجم، یک‌پارچه و پرمعنا پژوهش تولید شود (شیوه تحلیل داده‌های کیفی را در کریستنسن و همکاران^۱ ۲۰۱۵، دریسکو و مارشی ۲۰۱۵ و خنیفر و مسلمی ۱۳۹۶ را ببینید).

به منظور اطمینان از پایایی و روایی تئوری نهایی پژوهش، مطابق با رویکرد کیفی از راهبردهای متعدد و متنوعی شامل تأمین سه‌گانگی (مثلث‌سازی) در منبع و ابزار گردآوری داده، تأمین تنوع و تواتر مرجع، بررسی کنندگان سه‌گانه و اخذ تأیید از سه صاحب‌نظر نسبت به اعتبار یافته‌های پژوهش، تفسیر‌گرایی با سطح انتزاع و استنباط پایین، و تبیین‌گرایی هوشیار برای شناسایی دقیق و منسجم پیچیدگی ابعاد و زوایای موضوع و ایجاد زنجیره‌های علت و معلولی مستحکم بین مفاهیم و مقوله‌ها استفاده شده است (روایی و پایایی پژوهش کیفی را در کریستنسن و همکاران ۲۰۱۵ ببینید).

سؤالات پژوهش

۱- تبیین راهبردی تأثیر معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی ایران چیست؟

یافته‌های پژوهش

تحلیل راهبردی سطح اول - پیامدهای اقتصادی

پیامدهای اقتصادی، کوتاه مدت‌ترین و سریع‌ترین تأثیرهای معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی کشور هستند. پیامدهای اقتصادی به بند نخست سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی کشور آسیب وارد می‌نمایند، یعنی ایجاد ارزش افزوده، سرمایه‌گذاری و کارآفرینی در محیط اقتصادی دچار اختلال و تخریب می‌سازند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که پیامدهای اقتصادی معوقه‌های بانکی شامل هفت بُعد می‌باشند: (۱) نابرابری اقتصادی، (۲) افول تولید، (۳) ترویج

1. Christensen et al;

سوداگری، (۴) بحران مالی و اقتصادی، (۵) شکست توسعه، (۶) بی‌انضباطی اقتصادی دولت، و (۷) شدت وابستگی اقتصاد به دولت. پیامدهای اقتصادی معوقه‌ها به طور مستقیم معلول اقتصاد سیاسی حاکمیت بوده و از این رو، با تغییر سیاست‌های دولت به سرعت و در کوتاه مدت رفع می‌شوند. از منظر بُعد اول، معوقه‌های بانکی به شدت به نابرابری اقتصادی دامن می‌زند، بدین معنا که نه تنها عدالت توزیعی و تخصیص کارای دارایی‌ها در اقتصاد را از بین می‌برند، بلکه با ایجاد رانت و مزیت‌های ناروا، رقابت سالم و بنگاه‌های تجاری مولد و سودآور را با تهدید مواجه می‌نمایند. از این منظور، معوقه‌های بانکی از نشانه‌های بارز وجود تضاد منافع بین تسهیلات گیرندگان و عموم قلمداد می‌شود و خطر اخلاقی را در اقتصاد شدت می‌بخشد. این روند نه تنها سیاست‌های مردمی نمودن اقتصاد را عقیم می‌سازد، بلکه به بخش دولتی اقتصاد انگیزه رشد و دخالت بیش‌تری می‌دهد. برآیند طبیعی این فعل و انفعال‌ها، از بین رفتن انگیزه‌های اقتصادی و رقابت آزاد است که بنیان رسیدن به توسعه و تکامل اجتماعی و اقتصادی شناخته می‌شوند.

از منظر بُعد دوم، معوقه‌های بانکی از جنبه‌های متعددی بخش‌های مولد اقتصاد را مورد تهاجم و تخریب قرار داده و افول تولید در اقتصاد را حتمیت می‌بخشند. از جنبه نخست، معوقه‌ها نشان‌دهنده وقوع ریسک نسبت به منابع بانکی بوده، طوری که به اضمحلال سرمایه و توان مالی نظام بانکی کشور برای پشتیبانی از تولید می‌انجامند. از جنبه دوم، معوقه‌های بانکی با ایجاد تورم، قدرت خرید و ثبات بازارها را تخریب می‌نمایند که این پیامد، بنگاه‌های اقتصادی سالم را نیز به طور ناخواسته درگیر کمبود مشتری و نکول شدن مطالبات‌شان می‌سازد. از جنبه سوم، معوقه‌های بانکی حاکی از سوء نظارت نسبت به استفاده از منابع اقتصادی هستند. از این جنبه، سرازیر شدن تسهیلات سرگردان به فعالیت‌های سوداگرانه از جمله واردات و دلالی، به زیان‌دهی شرکت‌های تولیدی و فرار سرمایه‌گذاران مولد منجر می‌شود.

از منظر بُعد سوم، معوقه‌های بانکی فرهنگ سوداگری را در اقتصاد قوت می‌بخشند. از این منظر، معوقه‌های بانکی با ایجاد تلاطم در بازارها به ایجاد سودهای بادآورده می‌انجامد و سفته‌بازی را سودآورتر و کم‌ریسک‌تر از تولید و سرمایه‌گذاری مولد می‌نماید. سوداگری با تسهیلات بانکی نه تنها به خودی خود یک عامل حتمی برای ریزش اقتصاد محسوب می‌شوند، بلکه تسهیلات گیرندگان واقعی را نیز به سبب ایجاد حباب‌های قیمتی و بحران‌های ارزی مورد تهدید قرار می‌دهند.

از منظر بُعد چهارم، معوقه‌های بانکی به خودی خود، نشانه در راه بودن بحران مالی و اقتصادی در کشور هستند. این پدیده قابل تشبیه به یک تیغه دو لبه است که شریان‌های اقتصادی موجود بین بانک‌ها و بنگاه‌ها را با جامعه و دولت قطع می‌سازد. به عبارت دیگر، وقوع معوقه‌ها جامعه را نسبت به بانک‌ها و بنگاه‌ها بی‌اعتماد می‌سازد و سرمایه‌گذاری را رو به افول می‌برد. از سوی دیگر، جامعه را از دسترسی به منابع بانکی برای ایجاد تقاضا برای تولیدات بنگاه‌ها محروم می‌نماید. همچنین، معوقه‌ها مهم‌ترین شریان‌های اقتصادی دولت شامل مالیات، درآمد شرکت‌های دولتی و مشارکت بانک‌ها در اهداف توسعه‌ای را قطع می‌نمایند. در این شرایط، وقوع زیان‌دهی و ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی، بحران بانکی، و از کنترل خارج شدن بازارها نتایجی گریزناپذیر هستند.

از منظر بُعد پنجم، معوقه‌های بانکی توسعه را با شکست مواجه می‌سازند. شکست توسعه به معنی ناتوانی نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای نوزایش و تکامل است. معوقه‌های بانکی با تخریب قدرت معامله‌شوندگی دارایی‌ها و راکد نمودن چرخه‌های تجاری جامعه، از گردش سالم و طبیعی منابع اقتصادی جلوگیری می‌نمایند و بدین وسیله رشد و نمو طبیعی بافت‌های فردی و نهادی را دچار ریزش و عقب‌ماندگی می‌سازند. افزون بر آن، معوقه‌های بانکی بستر اقتصاد را برای ورود سرمایه ملتهب و ناامن می‌سازند و فرار و اتلاف سرمایه‌گذاری را شدت می‌بخشند. از جنبه‌ای دیگر، معوقه‌های بانکی با توقف پروژه‌های سرمایه‌بر، به زوال زیرساختی و افول بهره‌وری رسوخ می‌یابند و به موجب آن ارزش آفرینی در اقتصاد را ناپایدار و پرنوسان می‌نمایند.

از منظر بُعد ششم، معوقه‌های بانکی بی‌انضباطی‌های اقتصادی دولت را شدت می‌بخشند. بی‌انضباطی اقتصادی بدین معنا است که سیاست‌ها و راهبردهای پولی و مالی دولت کارایی و اثربخشی خود را از دست می‌دهند و ازدیاد امور غیرمنتظره، دولت را ناگزیر به انحراف از برنامه‌ها و اتخاذ تصمیم‌های خلق‌الساعه و مقطعی می‌سازد. مهم‌ترین بی‌انضباطی‌های اقتصادی دولت از بی‌توجهی به اسناد بالادستی، عدم پایداری به برنامه‌های توسعه و تدوین بودجه‌های ناپایدار و تقاضا برای دسترسی به اختیارات اقتصادی فراقانونی ناشی می‌شود. پر واضح است که خروج دولت از وضعیت انضباط اقتصادی، عدم اطمینان را در اقتصاد به اوج می‌رساند و به ناتوانی دولت از ایفای به تعهدات مالی و اجرایی‌اش منجر می‌شود. این پدیده از طبیعتی شوک آفرین و بحرانی برخوردار بوده و نهادهای اقتصادی را در برنامه‌ریزی و راهبری نیازهای جامعه به استیصال می‌رساند.

از منظر بُعد هفتم، معوقه‌های بانکی شدت وابستگی اقتصاد به دولت را گریزناپذیر می‌سازند. وابستگی اقتصاد به دولت به معنی شدت بخش دولت در مالکیت، تولید، توزیع و مصرف دارایی‌ها در اقتصاد است. مالکیت دولتی زمانی شدت می‌گیرد که مالکیت مردمی به اثبات معوقه‌ها در غلبه بر نیروهای درونی و بیرونی اقتصاد ناتوان بماند. از این رو، دولت با ملی نمودن صنایع و کاهش حمایت از رشد اقتصاد مردمی تلاش می‌کند تا زیرساخت‌های اقتصادی جامعه را امنیت بخشد. تولید دولتی هنگامی شدت می‌گیرد که تولید مردمی به اثبات معوقه‌ها از ملاحظه منفعت-هزینه خروج نماید. توزیع دولتی در شرایطی ضرورت می‌یابد که به اثبات معوقه‌ها گردش طبیعی دارایی‌ها در اقتصاد قفل شود و نیروهای اقتصادی طبیعت قیمت‌گذاری خود را از دست بدهند. سرانجام، مصرف دولتی نیز خود تابعی از شدت وابستگی اقتصاد کشور به دولت در جنبه‌های اشاره شده است. یافته‌های تفصیلی تر پیرامون پیامدهای اقتصادی معوقه‌های بانکی در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. پیامدهای راهبردی معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی در سطح اول (منبع: یافته‌های پژوهش، بخش اول)

<p>۱. نابرابری اقتصادی</p> <p>گزیده مفاهیم: {عدم عدالت توزیعی}، {عدم کارایی تخصیصی}، {ترویج سوء فرصت}، {گسترش رانت}، {انحصارگرایی}، {سلب رقابت آزاد}، {تخریب واحدهای رقیب}، {شدت تضاد منافع}، {خطر اخلاقی}، {نابرابری در قدرت چانه‌زنی}، {دولتی‌سازی اقتصاد}، {تقلیل بخش مردمی}، {انگیزه‌زدایی}، {تمرکزگرایی}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۰۱۲}، {الف-۱۰۲۰}، {ب-۲۰۳۵}، {ب-۲۳۹۴}، {پ-۱۳۲۸}، {پ-۱۴۴۲}، {ت-}، {ت-۱۰۲۰}، {ث-۱۰۲۳}، {ج-۲۱۲۴}، {چ-۱۰۲۱}، {ح-۱۰۲۷}، {ح-۱۰۹۰}، {ح-۲۵۸۱}.</p>
<p>۲. افول تولید</p> <p>گزیده مفاهیم: {شدت واردات}، {شدت تورم}، {وابستگی اقتصادی}، {زیان‌دهی شرکت‌ها}، {تعطیلی کارخانجات}، {بیکاری}، {فرار سرمایه‌گذاران}، {فقر}، {محرومیت}، {تضعیف دانشگاه}، {شدت خام‌فروشی}، {شدت توسعه‌نیافتگی}، {افت درآمد ملی}، {سقوط بازدهی دارایی‌ها}، {نوسان بودجه}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۰۱۲}، {الف-۱۰۶۳}، {ب-۱۷۴۰}، {ب-۲۳۹۵}، {ب-۲۳۹۶}، {پ-۱۵۹۵}، {پ-}، {ت-۱۰۲۰}، {ث-۱۴۶۸}، {ج-۱۱۸۷}، {چ-۱۰۱۹}، {چ-۱۷۰۷}، {ح-۱۰۰۳}، {ح-۲۵۸۰}.</p>
<p>۳. ترویج سوداگری</p> <p>گزیده مفاهیم: {افول پول ملی}، {شکست مقاومت اقتصادی}، {شدت قاچاق}، {شدت نکول اعتباری}، {وورشکستگی بنگاه‌ها}، {شدت هزینه زندگی}، {تخریب استانداردهای زندگی}، {حباب‌های قیمتی}، {عدم سرمایه‌گذاری}، {فرار سرمایه}، {شدت بیکاری}، {بحران مسکن}، {بحران ارز}، {بحران بازار سرمایه}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۲۵۳}، {الف-۱۲۵۸}، {ب-۱۹۹۹}، {ب-۲۳۹۷}، {ب-۲۳۹۸}، {پ-۱۴۶۸}، {پ-۱۴۶۳}، {ت-۱۰۴۹}، {ث-۲۰۹۵}، {ج-۲۱۹۷}، {چ-۱۰۰۱}، {ح-۱۰۳۶}، {ح-۲۵۸۱}، {ح-۲۵۹۵}.</p>

جدول ۲. پیامدهای راهبردی معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی در سطح اول (منبع: یافته‌های پژوهش، بخش اول)

<p>۴. بحران مالی و اقتصادی</p> <p>گزیده مفاهیم: {بی‌ثباتی بازارها}، {رکود تورمی}، {سقوط صنایع}، {عقب‌ماندگی انسانی}، {زوال نظام بانکی}، {سقوط پول ملی}، {افول نوآوری}، {عقب‌ماندگی فناوری}، {وابستگی به استقراض خارجی}، {تنزل بهره‌وری}، {شدت فقر}، {سختی معیشت}، {وابستگی به خام‌فروشی}، {فرار سرمایه}، {فرار مغزها}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۰۶۳}، {الف-۱۰۹۱}، {ب-۲۳۹۹}، {ب-۲۴۰۰}، {ب-۲۴۰۱}، {ب-۱۰۲۵}، {پ-۱۴۲۵}، {ت-۱۰۶۷}، {ث-۱۰۶۵}، {ج-۱۰۰۲}، {ج-۱۰۲۴}، {ج-۱۶۲۹}، {ح-۱۱۰۵}، {ح-۱۳۵۶}.</p>
<p>۵. شکست توسعه</p> <p>گزیده مفاهیم: {کاهش عمق بازار}، {عدم اطمینان}، {عدم قدرت خرید عمومی}، {تعطیلی کارخانجات}، {عقب‌ماندگی صنایع}، {فرار و اتلاف سرمایه}، {تضعیف نرخ انباشت سرمایه}، {توقف پروژه‌های عمرانی}، {فروشدگی زیرساخت‌ها}، {عدم بهره‌وری}، {ترویج سوداگری}، {شدت وابستگی اقتصاد به دولت}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۲۵۹}، {الف-۱۲۶۰}، {ب-۱۸۰۱}، {ب-۱۸۰۵}، {ب-۲۴۰۲}، {ب-۱۳۶۹}، {پ-۱۴۰۰}، {ت-۱۱۴۴}، {ث-۱۰۷۱}، {ج-۱۳۹۷}، {ج-۱۰۹۴}، {ج-۱۷۰۹}، {ح-۱۳۵۹}، {ح-۲۵۸۴}.</p>
<p>۶. بی‌انضباطی اقتصادی دولت</p> <p>گزیده مفاهیم: {بی‌ثباتی در بودجه}، {کسری بودجه}، {انباشت بدهی‌ها}، {بحران و اتلاف ارزی}، {بی‌ثباتی بازارها}، {بحران املاک و مستغلات}، {بحران کالایی}، {تنزل تولید ناخالص داخلی}، {کوچک شدن اقتصاد}، {بیکاری حاد}، {تهدید امنیت غذایی}، {بحران درمان}، {ریسک و عدم اطمینان سرمایه‌گذاری}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۲۶۱}، {الف-۱۲۶۲}، {ب-۱۷۵۳}، {ب-۱۸۰۱}، {ب-۲۴۰۳}، {ب-۱۴۸۲}، {پ-۱۶۱۰}، {ت-۱۲۰۹}، {ث-۱۱۳۲}، {ج-۱۰۰۲}، {ج-۱۱۲۹}، {ح-۱۳۵۸}، {ح-۲۵۸۱}، {ح-۲۵۸۶}.</p>
<p>۷. شدت وابستگی اقتصاد به دولت</p> <p>گزیده مفاهیم: {شرکت‌های دولتی}، {تولید دولتی}، {بانکداری دولتی}، {بازرگانی دولتی}، {دولت رانتیر}، {اشتغال دولتی}، {سرمایه‌گذاری دولتی}، {تقاضای دولتی}، {تسهیلات دولتی}، {یارانه}، {معافیت مالیاتی}، {قیمت‌گذاری دولتی}، {دانشگاه دولتی}، {بهداشت و درمان دولتی}، {ازدیاد دارایی‌های دولت}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۰۱۲}، {الف-۱۰۲۳}، {ب-۱۸۰۳}، {ب-۲۴۰۴}، {ب-۲۴۰۵}، {ب-۱۳۶۳}، {پ-۱۴۷۸}، {ت-۱۱۴۴}، {ث-۱۲۷۷}، {ج-۱۰۰۲}، {ج-۱۲۰۰}، {ج-۱۶۲۵}، {ح-۱۱۴۰}، {ح-۲۵۸۰}.</p>

تحلیل راهبردی سطح دوم- پیامدهای اجتماعی

پیامدهای اقتصادی معوقه‌های بانکی رفته‌رفته با رسوخ دادن فشارهای اقتصادی به عمق جامعه، به اضمحلال ساختارها و ارزش‌های اجتماعی منجر شده و کشور را گرفتار پیامدهای اجتماعی متعددی می‌سازند. پیامدهای اجتماعی، سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی را به لحاظ بند دومش،

یعنی تخریب رفاه عمومی، شکاف در عدالت اجتماعی و گسترش فقر مورد تهاجم و تخریب قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که پیامدهای اجتماعی معوقه‌های بانکی از هفت بُعد قابل تحلیل و تبیین است: (۱) تضعیف عدالت اجتماعی، (۲) تخریب رفاه اجتماعی، (۳) نارضایتی‌های اجتماعی، (۴) افول سرمایه اجتماعی، (۵) شیوع مهاجرت، (۶) عقب‌ماندگی علمی و فناورانه، و (۷) شکست خودباوری و تقلیل فرهنگی. پیامدهای اجتماعی معلول پیامدهای اقتصادی معوقه‌های بانکی هستند که در میان مدت ظهور و بروز می‌یابند، از پیامدهای اقتصادی دیرپاتر هستند، و مرتفع نمودن آنها نیز زمان‌برتر، پرهزینه‌تر و دشوارتر می‌باشند.

از منظر بُعد اول، معوقه‌های بانکی عدالت اجتماعی را در کشور تضعیف و تخریب می‌نمایند. عدالت اجتماعی به معنی اطمینان نسبت به منصفانه بودن و برابری در دستیابی به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی برای عموم است. معوقه‌های بانکی به عنوان سوء دسترسی به فرصت‌ها و منابع، تبعیض و نابرابری را به صورت غیرمنصفانه در اقتصاد بالا می‌برند و به طور نظام‌مند (سیستماتیک) به سوء تخصیص ثروت و گسترش مزیت‌های ناورا دامن می‌زند. این پدیده موجب می‌شود تا اکثریت مردم به طور ناعادلانه در تنگی معیشت و تهدید فقر گرفتار شوند، در حالی که اقلیتی با برخورداری از شدت رانت، با ائتلاف منابع و سرمایه‌های ارزشمند جامعه را درگیر بحران و تعمیق محرومیت سازند.

از منظر بُعد دوم، معوقه‌های بانکی رفاه اجتماعی را به تاراج و یغما می‌برند. رفاه اجتماعی به سیاست‌ها و برنامه‌هایی اشاره دارد که دولت برای تأمین نیازهای اساسی و همگانی مردم تدوین و اجرا می‌نماید و به دنبال تأمین اشتغال، معیشت، امنیت غذایی، بهداشت، سلامت و مسکن برای عموم جامعه است. رفاه اجتماعی با بهبود انصاف و برابری اجتماعی، بهزیستی اجتماعی و توسعه پایدار را ممکن و دستیافتنی می‌سازد. معوقه‌های بانکی یک عامل اصلی برای تعمیق شکاف طبقاتی، گسترش بیکاری و خنثی شدن مزیت‌های اقتصادی جامعه شناخته می‌شوند. از سوی دیگر، معوقه‌های بانکی با تحمیل بحران‌های بانکی و اقتصادی، توان دولت را برای تحقق اهداف رفاه عمومی دچار اضمحلال و ناتوانی می‌نمایند.

از منظر بُعد سوم، معوقه‌های بانکی نارضایتی‌های اجتماعی را شدت می‌بخشند. نارضایتی اجتماعی به معنی شیوع نارضایتی یا ناراحتی در بین عموم مردم به دلیل مسائل فردی و جمعی

مختلف است. نارضایتی اجتماعی به تهییج احساسات عمومی برای طغیان علیه حاکمیت به دلیل ادراک نابرابری اقتصادی، تبعیض، و سایر مظاهر عدالت اجتماعی سوق پیدا می‌کند. این نارضایتی‌ها در نمودارهای متنوعی از قبیل تظاهرات‌ها، فعال شدن رسانه‌های اجتماعی، و حتی در بین گفتگوهای در نشست‌های دوستانه و خانوادگی قابل رصد هستند. معوقه‌های بانکی از جهت‌های مختلفی مانند زیر سؤال بردن عقلانیت اقتصادی در نظام سیاسی حاکم، شیوع فساد در سیستم بانکی، شدت دادن به عقب‌ماندگی و بیکاری در جامعه، نارضایتی‌های اجتماعی را شعله‌ور می‌سازند و بهزیستی اجتماعی و ثبات سیاسی را دچار چالش می‌نمایند.

از منظر بُعد چهارم، معوقه‌های بانکی به زوال سرمایه اجتماعی در کشور دامن می‌زند. سرمایه اجتماعی به روابط و هنجارهای اجتماعی اشاره دارد که با ایجاد اعتماد متقابل، تناسب، همزیستی و اشتراک منافع، بافت‌های فردی را به یکدیگر متصل نموده و تعاون‌ها و نیروهای نهادی بزرگ برای نیل به اهدافی همگانی شکل می‌دهند. سرمایه اجتماعی آرمان‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی‌ای را در دسترس یک ملت قرار می‌دهد که برآورده شدن‌شان از قدرت هر گونه اجتماع فردی یا نهادی انفرادی یا گروهی خارج است. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی از یک جامعه کلیدی فراتر از اتصال صرف واحدهای انفرادی شکل داده و به دگرگونی ساختاری و ارزشی می‌انجامد. معوقه‌های بانکی با ترویج انحراف‌های ارزشی و اخلاقی در جامعه، اعتماد اجتماعی نسبت به حاکمیت و اراده آن برای تحقق منافع عمومی را تخریب می‌سازند. افزون بر آن، معوقه‌های بانکی به مثابه شاخصی از عمومیت یافتن فساد، انحطاط نهادهای اقتصادی و اجتماعی را موجب می‌شوند. برآیند این پدیده‌ها تحمیل شدن فشارهای طاقت فرسای اقتصادی و اجتماعی به خانواده‌ها و قشر جوان جامعه است که آنها را نسبت به پایداری به ارزش‌ها و فرهنگ رایج جامعه بی‌اعتماد، گریزان و بیگانه می‌سازد و شدت خود را در رواج خشونت، ناامنی و ناهنجاری‌های اجتماعی نشان می‌دهد.

از منظر بُعد پنجم، معوقه‌های بانکی تب مهاجرت را در جامعه بالا می‌برند. مهاجرت در ایران دارای دو جنبه روستایی و خروج از کشور است. مهاجرت روستایی بیانگر نقل مکان مردم از نواحی روستایی به شهرها با انگیزه شرایط زندگی بهتر، فرصت‌های شغلی و رفاه بالا می‌باشد. مهاجرت روستایی مشکلات شهرنشینی زیادی را به بار می‌آورد از قبیل ازدحام جمعیت، ترافیک،

آلودگی‌های زیست محیطی، و ازدیاد نیروی کار بی کیفیت و زاغه‌نشینی در مناطق حاشیه‌ای شهرها. افزون بر آن، با خالی شدن روستاها از جمعیت، نه تنها توسعه زیرساخت‌ها را در مناطق روستایی از ملاحظه منفعت-هزینه خارج می‌کند، بلکه به کشاورزی کشور نیز آسیب وارد می‌نماید. از سوی دیگر، مهاجرت خروج از کشور مناطق شهری جامعه را از توسعه انسانی محروم و عقب‌مانده می‌سازد. مهاجرت خروج از کشور با انگیزه‌های متعددی از قبیل دستیابی به فرصت‌های بهتر اجتماعی و اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته‌تر صورت می‌گیرد. معوقه‌های بانکی به سبب آسیبی که به توسعه کشور وارد می‌سازند، هر دو نوع مهاجرت روستایی و خروج از کشور را شدت می‌بخشند و به تضعیف سرمایه اجتماعی کشور دامن می‌زنند.

از منظر بُعد ششم، معوقه‌های بانکی جامعه را به لحاظ علمی و فناورانه دچار عقب‌ماندگی می‌سازند. عقب‌ماندگی علمی و فناورانه به معنی فقدان پیشرفت و توسعه در عرصه علم و فناوری است که مهم‌ترین دلیل وقوع این پدیده محدودیت‌های بودجه، فقدان دسترسی به فناوری و منابع سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، و بی‌علاقگی عمومی به تحقیق و توسعه عارض می‌شود. عقب‌ماندگی علمی تأثیرهای مخرب عمیقی بر جامعه می‌گذارد، زیرا به اضمحلال توان ادراک و حل مسائل پیچیده در عموم مردم منجر می‌شود. این امر در حال است که ثبات سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه علمی و فناورانه از زیرساخت‌های کلیدی رشد و توسعه پایدار اجتماعی به شمار می‌آید. معوقه‌های بانکی فقدان سرمایه‌گذاری در علم و فناوری را شدت می‌بخشند و با دامن زدن به بی‌ثباتی و بحران اقتصادی، تقاضای عمومی برای تحقیق و توسعه را در جامعه به نزول می‌کشانند. این پدیده در میان مدت به انحطاط و ناامیدی اجتماعی نسبت به حل مشکلات کشور پیوند می‌خورد.

از منظر بُعد هفتم، معوقه‌های بانکی به شکست خودباوری فردی و اجتماعی و تقلیل فرهنگ در جامعه منجر می‌شوند. خودباوری به معنی ایمان، باور و اعتماد به توانایی‌ها، سرمایه‌ها و ارزش‌های خود است که موجب احساس و ادراک ارزشمند بودن و احترام در زندگی فردی و اجتماعی می‌شود. خودباوری موجب می‌شود تا افراد و نهادهای اجتماعی در مواجهه با فرصت‌ها و چالش‌ها با نگرشی مثبت و ذهنی باز برخورد نمایند و این پدیده در میان مدت روند مثبتی را در بازدهی‌های فردی و اجتماعی برای کشور رقم می‌زند. در مقابل، ضعف خودباوری یک پدیده اجتماعی خطرناک و مخاطره‌آفرین است که به احساس و ادراک بی‌کفایتی، تردید، افسردگی، خودنکوهشی و انزوای فردی و اجتماعی دامن می‌زند. این پدیده موجب بریده شدن از بافت

اجتماعی و سوق یافتن به ناهنجاری‌ها و انحطاط فرهنگی می‌شود. معوقه‌های بانکی به عنوان شاخصی از ناکامی‌ها، شکست‌ها و ناتوانی‌های اقتصادی، به رسوخ یأس و ناامیدی عمومی در جامعه دامن می‌زنند و خودباوری ملی را تضعیف و تخریب می‌سازند. یافته‌های بیش‌تر پیرامون پیامدهای اجتماعی معوقه‌های بانکی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. پیامدهای راهبردی معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی در سطح دوم. (منبع: یافته‌های پژوهش، بخش دوم)

<p>۱. تضعیف عدالت اجتماعی</p> <p>گزیده مفاهیم: {شیوع ثروت‌های بادآورده}، {گسترش مزیت‌های ناروا}، {نابرابری در فرصت‌ها}، {شدت استثمار}، {تهدید پویایی اجتماعی}، {درآمد پایین}، {تنگی معیشت}، {تخریب محیط زیست}، {شدت رانت}، {وابستگی به واردات}، {اتلاف سرمایه‌ها}، {شدت فقر}، {تعمیق محرومیت}، {بحران اجتماعی}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۰۳۰}، {الف-۱۰۴۶}، {ب-۱۳۱۸}، {ب-۱۸۶۷}، {ب-۲۴۰۶}، {ب-۱۴۰۰}، {پ-۱۴۹۳}، {ت-۱۰۶۵}، {ث-۱۲۶۱}، {ج-۱۰۰۲}، {ج-۱۲۱۴}، {ج-۱۲۲۱}، {ج-۱۸۶۲}، {ح-۲۳۷۳}.</p>
<p>۲. تخریب رفاه اجتماعی</p> <p>گزیده مفاهیم: {شکاف طبقاتی}، {گسترش فقر}، {شدت محرومیت}، {تهدید زندگی}، {نگرانی اجتماعی}، {طردهای نشاط اجتماعی}، {رکود اجتماعی}، {خستگی شدن قوت‌های اقتصادی}، {ناتوانی راهبردی دولت}، {معنویت‌زدایی}، {سلب توسعه انسانی}، {عدم تأمین حداقل معیشت}، {سرکوب شدن استعدادها}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۰۴۶}، {الف-۱۰۴۸}، {ب-۱۶۱۱}، {ب-۲۲۳۹}، {ب-۲۴۰۷}، {ب-۱۱۹۰}، {پ-۱۳۲۷}، {ت-۱۰۶۵}، {ث-۱۲۴۸}، {ث-۱۲۹۲}، {ج-۱۰۰۲}، {ج-۱۲۲۴}، {ج-۱۱۳۹}، {ح-۱۸۴۳}.</p>
<p>۳. نارضایتی‌های اجتماعی</p> <p>گزیده مفاهیم: {عدم عقلانیت}، {تضعیف اقتصاد}، {شدت فساد}، {عقب‌ماندگی}، {وابستگی}، {نقض خدایاوری}، {بحران آب و انرژی}، {خام‌فروشی}، {شدت بیکاری}، {شدت فقر و محرومیت}، {ارزش افزوده پایین}، {تخریب محیط زیست}، {تورم‌زایی سیاست‌ها}، {سلب توسعه}، {ناکارآمدی حاکمیت}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۰۴۹}، {الف-۱۰۵۲}، {ب-۱۴۸۴}، {ب-۲۱۶۷}، {ب-۲۲۲۸}، {ب-۱۳۳۵}، {پ-۱۶۱۶}، {ت-۱۰۵۲}، {ث-۱۲۵۹}، {ج-۱۰۰۲}، {ج-۱۲۲۶}، {ج-۱۴۱۰}، {ح-۲۵۸۵}، {ح-۲۶۰۵}.</p>
<p>۴. افول سرمایه اجتماعی</p> <p>گزیده مفاهیم: {زوال ارزش‌ها}، {تخریب فرهنگی}، {آسیب‌پذیری اجتماعی}، {شیوع جرایم}، {خشونت و افراطی‌گری}، {بی‌اعتمادی عمومی}، {فرار مالیاتی}، {انحطاط نهادی}، {زوال خانواده}، {انحراف اخلاقی}، {بیگانگی عمومی}، {مشکلات جوانان}، {شدت ناهنجاری‌های اجتماعی}، {ناامنی اجتماعی}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۰۴۹}، {الف-۱۰۵۹}، {ب-۱۷۵۷}، {ب-۱۸۰۵}، {ب-۲۲۰۵}، {ب-۱۱۹۰}، {پ-۱۶۱۸}، {ت-۱۰۵۲}، {ث-۱۳۰۸}، {ج-۱۰۴۴}، {ج-۱۲۲۶}، {ج-۱۴۱۰}، {ح-۲۵۸۰}، {ح-۲۵۸۲}.</p>

۵. شیوع مهاجرت

گزیده مفاهیم: {شکست توسعه}، {فرار سرمایه}، {عقب‌ماندگی علمی و فناورانه}، {تقلیل صلاحیت‌ها}، {شیوع ناامیدی در جوانان}، {تضعیف دانشگاه}، {کاهش رقابت}، {افت کیفی}، {تضعیف نهادها}، {تخلیه روستاها}، {شدت بحران‌های شهری}، {تضعیف کشاورزی}، {ازدیاد کمی نیروی انسانی}، {فقر}.

گزیده منابع: {الف-۱۲۱۳}، {الف-۱۲۶۳}، {ب-۲۴۰۸}، {ب-۲۴۰۹}، {ب-۲۴۱۰}، {ب-۱۶۰۹}، {پ-۱۴۶۶}، {ت-۱۲۸۱}، {ث-۱۷۴۵}، {ج-۲۶۳۱}، {ج-۲۰۲۲}، {ج-۲۰۲۳}، {ح-۲۵۸۴}، {ح-۲۵۸۷}.

۶. عقب‌ماندگی علمی و فناورانه

گزیده مفاهیم: {تضعیف شرایط اشتغال}، {تهدید امنیت غذایی}، {عدم تأمین مسکن}، {تضعیف بهداشت و درمان}، {تضعیف آموزش}، {شدت مشکلات ساختاری}، {کمبود تولید}، {ترویج سوداگری}، {سختی معیشت}، {تخریب استانداردهای زندگی}، {حباب‌های قیمتی}، {عدم سرمایه‌گذاری}، {بیکاری}، {فقر}.

گزیده منابع: {الف-۱۰۱۲}، {الف-۱۰۶۳}، {ب-۱۷۴۰}، {ب-۲۴۱۱}، {ب-۲۴۱۲}، {ب-۱۵۹۶}، {پ-۱۵۹۷}، {ت-۱۲۸۳}، {ث-۱۶۲۵}، {ج-۱۳۱۶}، {ج-۱۰۲۷}، {ح-۱۹۳۴}، {ح-۲۵۸۸}، {ح-۲۵۹۷}.

۷. شکست خودباوری و تقلیل فرهنگی

گزیده مفاهیم: {شکست کالای ایرانی}، {ابر قدرت‌گرایی}، {عقب‌ماندگی در صنعت و فناوری}، {غرب‌گرایی}، {انحراف دانشگاه}، {شکاف نخبگان و حاکمیت}، {ناکارآمدی حاکمیتی}، {فرار سرمایه}، {انراضایتی عمومی}، {شیوع فساد}، {ارزش‌زدایی اجتماعی}، {استعمار و استثمار}، {پیرنگاه سلطه}.

گزیده منابع: {الف-۱۰۶۲}، {الف-۱۰۶۴}، {ب-۱۶۵۵}، {ب-۱۸۰۵}، {ب-۲۴۱۳}، {پ-۱۱۴۷}، {پ-۱۶۱۷}، {ت-۱۲۸۳}، {ث-۱۳۶۳}، {ج-۱۱۶۷}، {ج-۱۶۲۲}، {ح-۲۵۸۰}، {ح-۲۵۸۵}، {ح-۲۵۸۷}.

تحلیل راهبردی سطح سوم - پیامدهای سیاسی و امنیتی

پیامدهای سیاسی و امنیتی، در سطح سوم تأثیرهای راهبردی معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی کشور قرار می‌گیرند که گسترده‌ترین، ماندگارترین و جبران‌ناپذیرترین عواقب مخرب را بر بندهای ۳، ۴ و ۵ سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی وارد می‌آورند. به عبارت دیگر، در سطح سوم تحلیل ABC این استنباط حاصل می‌شود که قانون و مقررات کشور از ثبات، شفافیت و هماهنگی لازم برای راهبری اعتبارات بانکی برخوردار نیست، نظارت و قضاوت نسبت به مسائل اقتصادی دقیق و روشن و تخصصی نیستند، و شرایط فعالیت اقتصادی اعم از اطلاعات، امکانات و امتیازات برای همگان یکسان و عادلانه نمی‌باشند. عدم حصول به بندهای مذکور از سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی، کشور را دچار پیامدهای سیاسی و امنیتی متعددی می‌کند که در قالب هفت بُعد راهبردی انسجام و ساختار پیدا می‌نمایند: (۱) شیوع فساد، (۲) تضعیف قوای نظارتی، (۳) نفی

حکمرانی خوب، (۴) شکست اسناد بالادستی، (۵) شکاف بین دولت و ملت، (۶) سلب مشروعیت از حاکمیت، و (۷) تهدید امنیت ملی و اقتدار بین‌المللی. پیامدهای سیاسی و امنیتی معوقه‌های بانکی در بلند مدت و با از دست رفتن پایگاه اجتماعی حاکمیت نمودار می‌گردند و مشروعیت حاکمیت، امنیت ملی و اقتدار بین‌المللی کشور را رو به انحطاط و سقوط می‌کشانند.

از منظر بُعد اول، معوقه‌های بانکی نه تنها خود یک شاخص شناخته شده از فساد هستند، بلکه شیوع فساد را در کشور گزیرناپذیر می‌نمایند. فساد به معنی نوعی رفتار غیراخلاقی است که فرد یا گروهی از قدرت یا موقعیت خود به طور ناعادلانه و به زیان عموم مردم برای کسب سود سوء استفاده می‌کند. رشوه، تقلب، اختلاس، ترجیح‌گرایی و خویشاوندسالاری از نمونه‌های شایع فساد در دستگاه‌های حاکمیتی هستند که ثبات و پایداری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه را به زیر می‌کشند. فساد اعتماد عمومی را ضایع نموده، بی‌قانونی را رواج می‌دهد و به اکثریت جامعه زیان وارد می‌نماید. مهم‌ترین راهکارهای مقابله با فساد ارتقای شفافیت، پاسخگویی و حکمرانی خوب است تا به طور پیشگیرانه رفتارهای غیراخلاقی را به طور فراگیر مهار و کنترل نماید.

معوقه‌های بانکی نه تنها خود تابعی از نقض شفافیت و پاسخگویی در نظام حاکمیتی کشور هستند، بلکه معاملات و مالکیت‌های نامشروع رادر اقتصاد همه‌گیر می‌کنند و با دامن زدن به سوداگری و بی‌ثباتی در بازارها، بذر فساد را در نظام سیاسی و اقتصادی کشور پراکنده می‌سازند.

از منظر بُعد دوم، معوقه‌های بانکی قوای نظارتی جامعه را به انحطاط و نابودی می‌کشانند. دستگاه‌های نظارتی ابزارها و سازوکارهایی قانونی هستند که هدف اصلی آنها حصول اطمینان از جریان صحیح فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی، تنظیم فشارها و نیروهای اقتصادی و سیاسی در بازارها، و تأمین یک جو حکمرانی مطبوع و مستعد برای رشد و توسعه استعدادها و ظرفیت‌های فردی و نهادی در جامعه هستند. کارایی و اثربخشی قوای نظارتی از اهمیت حیاتی در جامعه برخوردار هستند، زیرا امنیت و اثربخشی کوشش‌های اقتصادی و اجتماعی را مورد صیانت قرار می‌دهند و از تباه شدن سرمایه‌ها جلوگیری می‌نمایند. وقوع معوقه‌های بانکی نشان‌دهنده رخداد شکست در نظام نظارتی حاکمیت بوده و به وقوع شرایط غیرمنتظره در بافت سیاسی و اقتصادی کشور دامن می‌زنند. از سوی دیگر، شکست دستگاه‌های نظارتی زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم را در معرض تهدیدهای کنترل نشده قرار می‌دهد و ارزش‌ها و مزیت‌های فردی و نهادی را بی‌اثر و تباه می‌سازند.

از منظر بُعد سوم، وقوع معوقه‌های بانکی مصداق نقض‌کننده حکمرانی خوب در کشور است. حکمرانی خوب به معنی کارایی و اثربخشی مدیریت منابع و امور مرتبط با آنها توسط نظام حاکم بر کشور است. شفافیت، پاسخگویی و حصول اطمینان از عمل به روح قوانین ارکان بلافصل حکمرانی خوب هستند و به نظام سیاسی تضمین می‌دهند که منافع عموم مردم به بهترین نحو مورد صیانت و تأمین قرار می‌گیرد. حکمرانی خوب رشد و توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در جنبه‌های فردی و جمعی پیشینه و بهینه می‌سازد و پایداری در صلح، ثبات و تأمین حقوق بشر را نهادینه می‌سازد. در حکمرانی خوب، حاکمیت به تمامی اعضای جامعه اجازه مشارکت در تصمیم‌گیری می‌دهد، صداها و نیازهای همه افراد و اقشار شنیده می‌شود و دست نامرئی طبیعت به بهترین شکل نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به سوی عالی‌ترین سطح از بهزیستی و بهینگی در کمال و تکامل سوق می‌دهد. این در حالی است که معوقه‌های بانکی گویای هرز و هدر رفتن نیروها و کوشش‌های عموم مردم هستند که خود ناشی از عدم استقرار حکمرانی خوب در جامعه است. با به اضمحلال رفتن سرمایه‌های فردی و اجتماعی، نظام حاکم بیش‌تر تضعیف شده و از حکمرانی خوب بیش‌تر فاصله می‌گیرد و این خود، چرخه نهادینه شدن و تعمیق معوقه‌های بانکی را شدت و حدت بخشیده و به انحطاط و فروپاشی حکمرانی ختم می‌گردد.

از منظر بُعد چهارم، معوقه‌های بانکی در بلندمدت تحقق اسناد بالادستی حاکمیت را با بن‌بست و شکست مواجه می‌سازند. انقلاب اسلامی ایران با شعار صیانت از حقوق مستضعفین و محرومین یک دگرگین متفاوت و نوپدید در جهان رقم زد و قانون اساسی خود را به طور بی‌سابقه‌ای بر تأمین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در پرتوی آموزه‌های دین مبین اسلام بنیان نهاد. با این وجود، ناآرامی‌های سال‌های ابتدایی انقلاب و وقوع جنگ تحمیلی پس از آن، ایفای به اصول و موازین رفاه و عدالت اقتصادی و اجتماعی قانون اساسی را دچار چندین دهه وقفه نمود. از سوی دیگر، سیاست‌های کلی نظام از بدو پیدایش مجمع تشخیص مصلحت نظام تا به امروز، به طور بارز و روشن به تأمین ثبات و رفاه اقتصادی و اجتماعی برای عموم مردم ایران اتکا و التزام دارند. وقوع معوقه‌های بانکی انحرافی آشکار از موازین قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام در مقام راهبردهای عملیاتی حاکمیت است که لطماتی جبران‌ناپذیر بر بدنه اجتماعی و اقتصادی کشور وارد می‌کنند. از این‌رو، معوقه‌های بانکی به وضوح تأمین آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران و ایفای به آموزه‌های امام خمینی رحمه‌الله علیه را مورد تهدید و تهاجم قرار می‌دهند.

از منظر بُعد پنجم، معوقه‌های بانکی از عوامل کلیدی تعمیق شکاف بین دولت و ملت به شمار می‌آیند. شکاف‌های سیاسی هنگامی در بدنه حاکمیت رسوخ می‌نمایند که دولت از تأمین خواسته‌های مردم ناتوان بماند و مردم به باورهای متفاوتی از جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیکی نسبت به نظام حاکم سوق پیدا نمایند. معوقه‌های بانکی با ایجاد چالش فراوان در اتخاذ تصمیم‌های سیاسی و قضائی نسبت به بدهکاران، احتمال وقوع شکاف بین دولت و ملت را شدت و حدت می‌بخشند و ناتوان ماندن دولت از جبران انتظارات و فرصت‌های اقتصادی از دست رفته، به ناامیدی عمومی نسبت به کارآمدی نظام حاکم در بین مردم منجر می‌شود. از سوی دیگر، معوقه‌های بانکی دولتمردان را از جنبه بی‌تدبیری و سوء مدیریت مورد سؤال قرار می‌دهند و دولت را مسبب عقب‌ماندگی‌ها و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی معرفی می‌سازند. افزون بر آن، معوقه‌های بانکی موجب شکست راهبردهای دولت در تأمین وعده‌ها و سیاست‌ها شده و حاکمیت را به سوی عدم شفافیت و نقض پاسخگویی پیش می‌برد. این شکاف‌های چند ضلعی، زمینه را برای وقوع بحران و کشمکش را در درون و بیرون حاکمیت مهیا و مستعد می‌سازند.

از منظر بُعد ششم، معوقه‌های بانکی به روشنی نشانه سلب مشروعیت از حاکمیت می‌شوند. مشروعیت به معنی میزان پذیرش و به رسمیت شناخته شدن درستی، اعتبار و مناسب بودن سیاست‌ها، راهبردها و صلاحیت‌های قانون‌گذاری، اجرایی و نظارتی حاکمیت نزد عموم مردم است. سیاست‌ها، راهبردها و صلاحیت‌های حاکمیت خود برخاسته از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه هستند و شکست حاکمیت در نظام حکمرانی خود مصادف با شکست ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین نظام در تأمین منافع و مصلحت عمومی ملت قلمداد می‌گردد. معوقه‌های بانکی به وضوح نشانه شکست نظام اقتصاد سیاسی حاکم بر جامعه بوده و مشروعیت نظام حاکم را دچار بحران می‌سازند، زیرا نه تنها نشان می‌دهند که نظامی سیاسی در بهره‌برداری از فرصت حاکمیتی خود ناکارآمد و دارای قصور است، بلکه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی خاصیت و اثربخشی خود را در راهبری و اداره مطلوب جامعه از دست داده‌اند و دیگر از قابلیت اتکا و اعتماد برخوردار نیستند.

از منظر بُعد هفتم، معوقه‌های بانکی برای امنیت ملی و اقتدار بین‌المللی کشور بحران و تهدید ایجاد می‌نمایند. امنیت ملی به معنای توانایی حاکمیت برای صیانت از منافع آحاد مردم در قبال هر گونه تهدید درونی و بیرونی است. هدف غائی امنیت ملی تأمین پایداری و بهزیستی یک ملت و

نیز تأمین ثبات اقتصادی و سیاسی آن است. اقتصاد بین‌المللی یک کشور به قدرت و تأثیرگذاری آن در سطح جهانی اشاره دارد و در شاخص‌هایی از قبیل کمیت و کیفیت روابط دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی، علمی و فرهنگی نمودار می‌گردد. اقتصاد بین‌المللی یک کشور اطمینان می‌دهد که آن ملت در تصمیم‌گیری‌ها و نظام راهبری جهانی به رسمیت شناخته شده، و از وزن و تأثیرگذاری برخوردار هستند، آنچنان که نسبت به تأمین بودن حقوق، مشروعیت، پذیرش و منافع آحاد مردم در صحنه بین‌المللی اطمینان حاصل گردد. معوقه‌های بانکی با تهییج نارضایتی‌های اجتماعی و مشروعیت‌زدایی از حاکمیت، امنیت ملی کشور را به اضمحلال می‌کشاند. این پدیده خود در اقتدار بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی ایران سهم بسزایی داشته، به افول جایگاه سیاسی و اقتصادی کشور در صحنه بین‌المللی انجامیده و این پدیده بیرونی خود ناآرامی‌های داخلی را از قبیل تجزیه‌طلبی، هرج و مرج، کودتا، توطئه‌های قومی و مذهبی، و درگیر نمودن اقشار جوان برای برخاستن به مخالفت‌های مدنی شدت و گستردگی می‌بخشد. چرخه تهدید امنیت ملی از درون و اقتدارزدایی ملی از بیرون در بلندمدت موجودیت و تمامیت ارزی کشور را به مخاطره می‌اندازد که مهار و کنترل آن بسیار دشوار و پرهزینه است. سایر یافته‌های پژوهش پیرامون پیامدهای معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی کشور در جدول ۴ نمایش یافته است.

جدول ۴. پیامدهای راهبردی معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی در سطح سوم (منبع. یافته‌های پژوهش، بخش سوم)

<p>۱. شیوع فساد</p> <p>گزیده مفاهیم: {شیوع معاملات و مالکیت نامشروع}، {عقب‌گرد در توسعه}، {احتکار و سوداگری}، {تضییع حقوق عامه}، {بی‌ثباتی در اقتصاد}، {بحران بازارها}، {سرایت فساد}، {فساد در بانک}، {تعطیلی کارخانجات}، {بحران بازار سرمایه}، {ورشکستگی ساختگی}، {معاملات صوری}، {اختلاس}، {ارتشاء}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۱۷۴}، {الف-۱۲۶۴}، {ب-۱۶۱۱}، {ب-۲۲۸۶}، {ب-۲۴۱۴}، {ب-۱۰۱۷}، {پ-۱۳۸۵}، {ت-۱۰۴۹}، {ث-۱۱۵۷}، {ج-۱۰۰۲}، {ج-۱۰۱۲}، {ج-۱۰۱۴}، {ح-۲۵۸۱}، {ح-۲۵۹۷}.</p>
<p>۲. تضعیف قوای نظارتی</p> <p>گزیده مفاهیم: {نقض شفافیت}، {ضابطه‌زدایی}، {تقلیل بودجه}، {قراردادهای صوری}، {غیرمنطقی شدن قیمت‌ها}، {شدت واردات}، {شدت نقدینگی}، {شدت نرخ بهره}، {شدت نرخ ارز}، {زیان‌دهی شرکت‌ها}، {عدم کفایت سرمایه بانک‌ها}، {مؤسسات مالی غیرمجاز}، {بانکداری در سایه}، {اقتصاد زیرزمینی}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۲۶۵}، {الف-۱۲۶۶}، {ب-۲۲۴۴}، {ب-۲۴۱۵}، {ب-۲۴۱۶}، {ب-۱۲۸۰}، {پ-۱۶۱۶}، {ت-۱۰۵۳}، {ث-۱۱۵۶}، {ج-۱۰۳۳}، {ج-۱۰۳۳}، {ج-۱۷۹۵}، {ح-۲۵۹۸}، {ح-۲۶۰۰}.</p>

جدول ۴. پیامدهای راهبردی معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی در سطح سوم (منبع. یافته‌های پژوهش، بخش سوم)

<p>۳. نفی حکمرانی خوب</p> <p>گزیده مفاهیم: {ترویج عوام‌فریبی}، {شبه‌خصوصی‌سازی}، {رانت اطلاعاتی}، {طرد نخبگان}، {بی‌ثباتی اقتصادی}، {ویژه‌خواری}، {بروکراسی مضر}، {کسری بودجه}، {شکاف در توسعه}، {فرار مالیاتی}، {عدم تحقق برنامه‌ها}، {ترویج طاغوت‌های اقتصادی}، {ناکارایی در سیاست، قانون، نظارت و اجرا}، {اشرافیگری}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۲۴۷}، {الف-۱۲۶۷}، {ب-۲۴۱۷}، {ب-۲۴۱۸}، {ب-۲۴۱۹}، {پ-۱۶۱۴}، {پ-۱۶۱۵}، {ت-۱۲۸۳}، {ث-۲۰۷۰}، {ج-۱۰۰۲}، {ج-۱۲۳۶}، {ج-۱۸۵۵}، {ج-۱۸۸۰}، {ج-۲۳۷۰}.</p>
<p>۴. شکست اسناد بالادستی</p> <p>گزیده مفاهیم: {اقتصاد دولتی}، {سیاست‌های غربی}، {بلند پروازی}، {بی‌ثباتی اجرایی}، {نگاه به خارج}، {فرار مغزها}، {افول توسعه انسانی}، {سلب نوآوری و کارآفرینی}، {عقب‌ماندگی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری}، {سلب توسعه پایدار}، {بحران‌های زیست‌محیطی}، {پیری جمعیت}، {خام‌فروشی}، {وابستگی}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۲۶۷}، {الف-۱۲۶۸}، {ب-۲۴۲۰}، {ب-۲۴۲۱}، {ب-۲۴۲۲}، {پ-۱۴۶۶}، {پ-۱۶۱۴}، {ت-۱۲۸۳}، {ث-۱۱۲۰}، {ج-۱۰۱۷}، {ج-۱۷۶۰}، {ج-۲۵۸۰}، {ج-۲۵۸۵}، {ج-۲۶۰۷}.</p>
<p>۵. شکاف بین دولت و ملت</p> <p>گزیده مفاهیم: {انامیدی عمومی}، {عمل نکردن به وعده‌ها}، {بی‌تدبیری و سوء مدیریت}، {حقوق و امتیازهای نابرابر}، {عقب‌ماندگی}، {استعمار بیگانگان}، {فساد}، {عدم شفافیت و پاسخگویی}، {بی‌توجهی به خواسته‌های عمومی}، {بی‌ثباتی}، {شکست فرهنگی}، {فقر}، {محرومیت}، {تبعیض}، {خشونت}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۲۶۹}، {الف-۱۲۷۰}، {ب-۲۳۹۱}، {ب-۲۳۹۲}، {ب-۲۳۹۳}، {پ-۱۲۲۰}، {پ-۱۶۱۳}، {ت-۱۲۸۳}، {ث-۱۳۷۹}، {ج-۱۰۰۲}، {ج-۱۶۵۶}، {ج-۲۵۸۵}، {ج-۲۵۸۶}، {ج-۲۵۹۷}.</p>
<p>۶. سلب مشروعیت از حاکمیت</p> <p>گزیده مفاهیم: {قانون‌گریزی}، {استیصال سیاست‌گذاری}، {دیرپایی بی‌ثباتی‌ها}، {انارضایتی عمومی}، {بی‌ثباتی قوانین}، {سلب شفافیت}، {عدم پاسخگویی}، {مسئولیت‌گریزی}، {حکمرانی جزیره‌ای}، {عقب‌ماندگی نهادی}، {اعتراف به ضعف}، {ناکارآمدی اجرایی}، {رانت‌جویی سیاسی}، {تفرقه و اختلاف}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۰۵۹}، {الف-۱۰۸۴}، {ب-۲۳۸۸}، {ب-۲۳۸۹}، {ب-۱۳۹۰}، {پ-۱۶۱۱}، {پ-۱۶۱۲}، {ت-۱۲۸۳}، {ث-۱۳۹۱}، {ج-۱۰۰۲}، {ج-۱۶۵۳}، {ج-۲۵۸۱}، {ج-۲۵۸۶}، {ج-۲۵۸۷}.</p>
<p>۷. تهدید امنیت ملی و اقتدار بین‌المللی</p> <p>گزیده مفاهیم: {تهدید وحدت کلمه}، {نفی رهبری}، {شدت جنگ نرم}، {گسترش ناآرامی‌های اجتماعی}، {خشونت و افراطی‌گری}، {انجام جنایات تروریستی}، {نقض حقوق بشر}، {گسترش تحریم‌ها}، {افزایش مخارج نظامی}، {تجزیه‌طلبی}، {هرج و مرج}، {کودتا}، {توطئه‌های قومی و مذهبی}، {انحراف جوانان}.</p> <p>گزیده منابع: {الف-۱۰۹۳}، {الف-۱۱۲۱}، {ب-۱۳۶۵}، {ب-۲۳۸۶}، {ب-۲۳۸۷}، {پ-۱۲۳۹}، {پ-۱۳۳۲}، {ت-۱۲۳۰}، {ث-۱۵۰۰}، {ج-۱۰۰۲}، {ج-۱۷۶۵}، {ج-۲۵۸۰}، {ج-۲۵۸۷}، {ج-۲۵۹۷}.</p>

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف پژوهش حاضر تحلیل راهبردی پیامدهای معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است. در سال‌های اخیر، نابه‌سامانی اقتصاد سیاسی کشور در مواجهه با نیروهای بیرونی و درونی موجب شده تا نوهی از دارایی‌های بانک‌ها در طعمه بدهکاران بانکی قرار گیرد و به دنبال آن، سوداگری و نابه‌سامانی در بازارهای سرمایه، ارز، کالا و مسکن نارضایتی‌های گسترده‌ای را دامن‌گیر حاکمیت نماید. مهم‌ترین اسناد اقتصاد سیاسی ایران، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام هستند که چستی و چگونگی تأمین و صیانت از امنیت اقتصادی کشور را روشن و استحکام می‌بخشند. در پژوهش حاضر با تبیین مضامین امنیت اقتصادی در اسناد بالادستی کشور نشان داده می‌شود که معوقه‌های بانکی چگونه امنیت اقتصادی را مورد تهاجم و تخریب قرار می‌دهند. پژوهش حاضر با استفاده از تحلیل راهبردی ABC به روشنی پیامدهای اقتصادی معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی کشور را به تفکیک بندهای مختلف سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی نظام نمایان می‌سازد و بدین وسیله، نه تنها مخاطرات امنیتی و بین‌المللی پدیده معوقه‌های بانکی را برای اذهان عمومی به ویژه دولتمردان و سیاست‌گذاران هویدا می‌نماید، بلکه یک نقشه راه روشن برای مصون‌سازی آگاهانه امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با پدیده معوقه‌های بانکی به‌دست می‌دهد. مدل مفهومی به‌دست آمده از پژوهش حاضر در شکل ۱ ارائه شده است.



عدم تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پیامدهای معوقه‌های بانکی بر امنیت اقتصادی کشور در سه سطح پیامدهای اقتصادی، پیامدهای اجتماعی، و پیامدهای سیاسی جای می‌گیرند، طوری که به لحاظ دوره ظهور، شدت و عمق تخریب، و امکان مهار و کنترل، این پیامدها به ترتیب روندی کوتاه مدت تا بلند مدت و دشوار اما کنترل‌پذیری تا کاملاً دشوار و کنترل‌ناپذیر را طی می‌نمایند. در این راستا، پیامدهای اقتصادی زودرس‌ترین امواج مخرب معوقه‌های بانکی برای امنیت اقتصادی کشور هستند که رونق اقتصاد، سرمایه‌گذاری و کارآفرینی را طعمه خود می‌نمایند. معوقه‌های بانکی نابرابری‌های اقتصادی را تغذیه می‌نمایند و با دادن مزیت‌های اقتصادی ناروا، به تخریب بازارها و بافت‌های سالم اقتصاد کشور می‌پردازند. ماحصل گریزناپذیر لطمات اقتصادی معوقه‌های بانکی ادراک شدن بحران‌های مالی و اقتصادی و شکست توسعه توسط عموم مردم است. افزون بر آن، معوقه‌ها با به هم ریختن و ایجاد هرج و مرج در نظام پولی و اقتصادی کشور، دولت را به رها نمودن سیاست‌ها و برنامه‌ها از پیش تدوین شده برای مقابله با پیامدهای غیرمنتظره بحران‌های ظهور یافته ناگزیر می‌کند، طوری که اذهان و رسانه‌های عمومی دولت را به بی‌انضباطی اقتصادی و بی‌برنامه‌گی متهم و تخطئه می‌سازند. رها شدن سیاست‌ها و برنامه‌ها نه تنها تلاطم‌های اقتصادی را شدت و حدت می‌بخشند، بلکه اقتصاد، بنگاه‌ها، تولید و سرمایه‌گذاری را مستأصل و وابسته به تصمیم‌های خلق‌الساعه و مقطعی دولت می‌نماید. این نتایج با آناستاسیو (۲۰۲۳) سازگار است که می‌گوید معوقه‌های بانکی به کشیده شدن رمق اقتصادی جامعه و شدت یافتن سوء مدیریت‌ها در اقتصاد دامن می‌زند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که پیامدهای اقتصادی معوقه‌ها به تدریج به درون بافت ارزشی و ساختاری جامعه رسوخ نموده و در میان مدت پیامدهای اجتماعی دشوارتر و غیرقابل کنترل‌تر را عارض حاکمیت می‌سازد. پیامدهای اجتماعی معوقه‌های بانکی از عمق‌داری‌های اجتماعی کشور می‌کاهند و ساختارها و ارزش‌های ملی را روی به اضمحلال و انحطاط می‌برند. ناامیدی‌های فزاینده از بی‌عدالتی‌های اقتصادی و فقدان رفاه، اعتماد عمومی را در بین مردم، نهادها و حاکمیت رو به افول می‌برند و به نارضایتی، خشونت و ناامنی‌های اجتماعی دامن می‌زنند. تنزل کیفیات اجتماعی کشور، مهاجرت‌های روستایی و خارج از کشور را شدت می‌بخشند و پیشرفت علمی و توسعه انسانی را به عقب باز می‌گردانند. برآیند طبیعی تباهی اجتماعی کشور، شکست خودبیاوری و شیوع انحطاط فرهنگی در جامعه است. این نتایج با سیف (۱۳۹۰) هم‌خوانی دارد که معتقد است عدالت و ارزش‌های اجتماعی، پایه‌های قدرت نرم و استواری اجتماعی را در جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهند.

در سطح سوم و نهایی تحلیل راهبردی ABC نشان داده می‌شود که پیامدهای اجتماعی در بلند مدت شکل سیاسی به خود می‌گیرند و امنیت ملی و اقتدار بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی ایران را مورد تهدید و تهاجم قرار می‌دهند. پیامدهای سیاسی عمیق‌ترین، دشوارترین و مهارنشده‌ترین تهدیدها و تخریب‌ها را به امنیت اقتصادی جامعه تحمیل می‌سازند. معوقه‌های بانکی فساد را به لایه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور رسوخ می‌دهند و با از بین بردن کارایی دستگاه‌های حاکمیت و شیوع بی‌توجهی به اسناد بالادستی نظام، شکاف دولت و ملت و سلب مشروعیت از حاکمیت را حتمیت می‌بخشند. حاصل طبیعی و بدیهی این پدیده گسترش تهدیدها برای امنیت ملی و انحطاط اقتدار بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است. این نتایج با سون و همکاران (۲۰۲۰) سازگار است که نشان دادند بانکداری با معوقه‌های خود بذر فساد را در نظام اقتصادی و اجتماعی کشور پراکنده می‌سازد. همچنین، این نتایج با ابوالحسینی و همکاران (۱۴۰۰) انطباق دارد که بیان می‌نمایند معوقه‌های بانکی به طور سیستمی دستگاه‌های قانون‌گذاری، اجرایی و نظارتی حاکمیت را درگیر خود می‌نماید و رشد و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی را به تباهی می‌برد.

نتایج این پژوهش دانش‌افزایی‌های متعدد و مهمی به لحاظ علمی و سیاست‌گذاری در بر دارند. نخست، این پژوهش توانست به یک تبیین راهبردی یک‌پارچه از پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معوقه‌های بانکی دست یابد که مسیر علمی و اجرایی را برای مصون‌سازی و آگاهی‌بخشی حاکمیت نسبت به تهدیدهای امنیتی پدیده معوقه‌های بانکی باز می‌نماید. دوم، این پژوهش نشان داد که پیامدهای معوقه‌های بانکی به لحاظ دوره زمانی و قابلیت کنترل متفاوت هستند و این مهم لزوم هوشیاری و اقدام سریع نسبت به نشانه‌های نخستین وقوع تهدید را به حاکمیت گوشزد می‌نماید. سوم، این پژوهش با تبیین مصادیق و شاخص‌های امنیت اقتصادی در سه سطح اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، دانش‌افزایی مهمی برای مدیریت و راهبری سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی در اختیار حاکمیت قرار می‌دهد.

قدردانی

از پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس شهید سپهبد پاسدار حاج قاسم سلیمانی برای حمایت مادی و معنوی از این پژوهش تقدیر و تشکر می‌شود.

فهرست منابع

- ابوالحسنی محمدجواد، صمدی سعید و واعظ برزانی محمد. (۱۴۰۰). تعیین اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت متغیرهای کلان اقتصادی و بانکی بر حجم مطالبات معوق بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۸۶-۱۳۹۶). فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۱۰(۳۷)، ۲۰۱-۲۳۳.
- اسماعیلی فر علی اصغر، مسعود غلامحسین و عمادزاده، محمدکاظم. (۱۳۹۸). نقدی بر قوانین حاکم بر وصول مطالبات معوق بانکی. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۱۹(۱۲)، ۴۱-۵۸.
- ایرنا. (۱۴۰۰، ۲۰۰۹). انتشار فهرست بدهکاران، آغازی برای شفافیت نظام بانکی. بازیابی از ایرنا: <https://irna.ir/xjGQVM>
- ایرنا. (۱۴۰۲، ۲۰۲۳). دو بانک، نصف معوقات بانکی را در اختیار دارند. بازیابی از ایرنا: <https://irna.ir/xjMG5c>
- آخوندی، عباس. (۱۴۰۰). اقتصاد سیاسی ایران (جلد ۱). تهران: دنیای اقتصاد.
- بانک مرکزی. (۱۴۰۲ الف، ۰۱۰۵). سری زمانی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی ۱۳۹۵=۱۰۰ (از ۱۳۱۵ تاکنون). بازیابی از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: <https://www.cbi.ir/simplelist/10807.aspx>
- بانک مرکزی. (۱۴۰۲ ب، ۰۱۰۵). گزیده آمارهای اقتصادی - بخش پولی و بانکی. بازیابی از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: <https://www.cbi.ir/category/2692.aspx>
- خزلی اکبر، افتخاری اصغر و فیروزکوهی مهدی. (۱۴۰۱). تقویت ضریب ایدئولوژیک به مثابه عامل مقوم امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۵(۵۵)، ۷۱-۹۵.
- خنیفر، حسین؛ و مسلمی، ناهید. (۱۳۹۶). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی: رویکردی نو و کاربردی (جلد ۱). تهران: نگاه دانش.
- خوانساری، مسعود. (۱۳۹۸). سراب توسعه: درباره بحران‌های ساختاری اقتصاد ایران: دوره ۹۳-۹۷. تهران: امین‌الضرب.
- سیف‌الله مراد. (۱۳۸۹). مفهوم شناسی امنیت اقتصادی. فصلنامه آفاق امنیت، ۳(۹)، ۷-۳۵.
- شورای قانون اساسی. (۱۳۶۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. بازیابی از مرکز پژوهش‌های مجلس: https://rc-demo.majlis.ir/fa/content/iran_constitution
- عزیزی محسن، خضری محمد، کاویانی رضا و خداوردی حسن. (۱۳۹۷). نقش راهبردی شاخص‌های امنیت اقتصادی در تقویت امنیت ملی کشور (مطالعه موردی: نقش مرزبان جمهوری اسلامی ایران). فصلنامه آفاق امنیت، ۱۱(۳۹)، ۳۹-۶۶.
- کاشیان عبدالمحمد. (۱۴۰۱). جنبه‌های روانی تحریم‌های اقتصادی و شرطی شدن اقتصاد ایران: دلالت‌هایی برای اقتصاد مقاومتی. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۵(۵۶)، ۱۰۹-۱۳۴.

- مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۷۹، ۱۲، ۲۰). سیاست‌های کلی «امنیت اقتصادی». بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی: <https://khl.ink/f/29281>
- مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۸۴، ۰۳، ۰۱). ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی. بازیابی از پایگاه اصلاح‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی: <https://khl.ink/f/165>
- مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۴۰۲، ۰۵، ۰۵). سیاست‌های کلی نظام. بازیابی از مجمع تشخیص مصلحت نظام: <http://maslahat.ir/index.jsp?fkeyid=402&siteid=3>
- مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۴۰۱/۰۶/۲۱). ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم با اولویت پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی: <https://khl.ink/f/50920>
- مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۹۲/۱۱/۲۹). ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی». بازیابی از پایگاه اصلاح‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی: <https://khl.ink/f/25370>
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی نظام بانکی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- Anastasiou, D. (2023). Management and Resolution methods of Non-performing loans: A Review of the Literature. **Crises and Uncertainty in the Economy**, 187-201.
- Born, B., Breuer, S., & Elstner, S. (2018). Uncertainty and the great recession. **Oxford Bulletin of Economics and Statistics**, 80(5), 951-971.
- Buller, J., & Whisker, B. (2021). Inter-organisational distrust and the political economy of central bank independence in the UK. **New Political Economy**, 26(3), 389-405 .
- Chiesa, G., & Mansilla-Fernández, J. M. (2021). The dynamic effects of non-performing loans on banks' cost of capital and lending supply in the Eurozone. **Empirica**, 48, 397-427.
- Christensen, L. B., Johnson, R. B., & Turner, L. A. (2015). **Research Methods, Design, and Analysis** (12 ed.). Pearson.
- Costantini, O. (2017). Political economy of the Stability and Growth Pact. **European Journal Of Economics and Economic Policies: Intervention**, 14(3), 333-350.
- Drisko, J., & Maschi, T. (2015). **Content Analysis**. Oxford University Press.
- Giammanco, M. D., Gitto, L., & Ofria, F. (2022). Government failures and non-performing loans in Asian countries. **Journal of Economic Studies**, (ahead-of-print).

- Gould, C. C. (1990). **Rethinking Democracy: Freedom and Social Co-Operation in Politics, Economy, and Society**. Cambridge University Press.
- Kerschner, C. (2010). Economic de-growth vs. steady-state economy. **Journal of Cleaner Production**, 18(6), 544-551.
- Lal, D., & Myint, H. (1998). **The Political Economy of Poverty, Equity and Growth: A Comparative Study**. Oxford University Press.
- Lambert, D. M., Stock, J. R., & Ellram, L. M. (1998). **Fundamentals of Logistics Management**. McGraw-Hill.
- Park, C. Y., & Shin, K. (2021). COVID-19, nonperforming loans, and cross-border bank lending. **Journal of Banking & Finance**, 133, 106233.
- Pourgerami, A. (1988). The political economy of development: A cross-national causality test of development-democracy-growth hypothesis. **Public choice**, 58(2), 123-141.
- Rehman, R. U., Zhang, J., & Ahmad, M. I. (2016). Political system of a country and its non-performing loans: a case of emerging markets. **International Journal of Business Performance Management**, 17(3), 241-265.
- Serrano, A. S. (2021). The impact of non-performing loans on bank lending in Europe: An empirical analysis. **The North American Journal of Economics and Finance**, 55, 101312.
- Shih, V. (2004). Dealing with non-performing loans: Political constraints and financial policies in China. **The China Quarterly**, 180, 922-944.
- Son, T. H., Liem, N. T., & Khuong, N. V. (2020). Corruption, nonperforming loans, and economic growth: International evidence. **Cogent Business & Management**, 7(1), 1735691.
- Stewart, F. (2013). Development and security. In **Security and Development** (pp. 43-70). Routledge.
- Stock, J. R., & Lambert, D. M. (2001). **Strategic Logistics Management** (Vol. 4). Boston, MA: McGraw-Hill/Irwin.
- The World Bank. (2023, 07 01). **GDP growth (annual %) - Iran, Islamic Rep**. Retrieved from The World Bank: <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG?locations=IR>
- Viswanathan, S., & Bhatnagar, R. (2005). The application of ABC analysis in production and logistics: an explanation for the apparent contradiction. **International Journal of Services and Operations Management**, 1(3), 257-267.
- Wan, J. (2018). Non-performing loans and housing prices in China. **International Review of Economics & Finance**, 57, 26-42.
- Winston, A. P. (1916). Chinese finance under the Republic. **The Quarterly Journal of Economics**, 30(4), 738-779.

